

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نشریه محراب سال سوم / شماره ششم



صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد

سر دبیر: محمدصادق منتظری

دبیر تحریریه: مهدی منتظری

دبیر سرویس پیشخوان: رضا سادات

دبیر پرونده تربیت فاطمی: حسین رحیمی

دبیر سرویس امام مسجد: ابوالفضل میرشکاری

دبیر سرویس همسرانه: مهدی رزاقی طالقانی

همکاران تحریریه: آیت الله کریمی جهرمی، حجج اسلام محمد همتیان،

محمدصادق کفیل، علی سرلک، محمدحسن کاویانی راد، حسن فکری

ویراستار: الهام اشرفی

طراح و گرافیک: داود دادور

نشانی: تهران / خیابان سعدی شمالی / کوچه صفامنش / مجتمع فرهنگی

آموزشی محراب / طبقه اول

کد پستی: ۵۶۵۱۱۱۴۵۷

تلفن: ۰۲۱۶۶۳۴۶۹۴۱

نمابر: ۰۲۱۶۶۳۴۷۹۳۴

تارنما: [amozesh.masjed.ir](http://amozesh.masjed.ir)

## پیشخوان

- تبیین حقیقت با باور قلبی ۶
- مسجد پژوهشگاه مسئله‌یابی محله است ۱۲

## پرونده تربیت فاطمی

- تربیت در قاموس سیده النساء ۲۰
- حیاء، در آینه خطبه فدکیه ۲۶
- مسیر تربیت از امتحان تا تصدیق ۲۹
- خانواده و تجربه بهشت ۳۷
- کتاب «فاطمة الزهراء من المهد الى اللحد» ۴۳
- لینک منبر و روضه شهادت حضرت زهرا علیها السلام ۴۷

## امام مسجد

- برای محله پدری کنیم ۵۰
- مسجد و مدیریت بحران ۵۵

## همسرانه

- همسایه‌داری در عصر حساسیت‌ها ۶۴
- وزیر ارتباطات مجموعه‌ای به نام خانه ۶۸
- خداوند خیر فعالیت‌های اجتماعی ما را در رسیدگی به فرزندانمان
- قرار داده است ۷۲
- تهیه حلوی نذری ۷۶



## صدیقه‌ترین فاطمه تاریخ

### یادداشت‌واره

حضرت مریم علیها السلام از برگزیدگان الهی<sup>۱</sup>، در دو آیه با وصف صدیقه بودن معرفی می‌شود: «وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ» و مادر مسیح، زنی بسیار راست‌گو بود.<sup>۲</sup> و در سوره تحریم می‌فرماید: «و مریم سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد».<sup>۳</sup>

کلمه «صدیق» صیغهٔ مبالغه از صدق و به معنای کسی است که بسیار راست می‌گوید. بعضی گفته‌اند به معنای کسی است که هرگز دروغ نمی‌گوید یا بالاتر از آن توانایی‌ای بر دروغ گفتن ندارد؛ چون در تمام عمر عادت به راست‌گویی کرده است و نیز بعضی آن را به معنای کسی می‌دانند که عملش تصدیق‌کنندهٔ سخن و اعتقاد اوست.<sup>۴</sup> ولی همهٔ این معانی تقریباً به يك معنا بازمی‌گردد: «صدیق» به نظر علامه طباطبایی کسی است که آنچه را می‌گوید انجام می‌دهد و میان گفتار و کردارش تناقضی نباشد.<sup>۵</sup>

«صدیق بودن» از توصیفاتی است که خداوند متعال دربارهٔ بعضی از انبیا و برگزیدگانش بیان می‌کند.<sup>۱</sup> «صدیقین» گروهی‌اند که با انبیا، صالحین و شهدا همراه و هم‌قافله بودند. اینان قافله‌سالار کوی الهی بودند.<sup>۲</sup> آنان به خدا و رسولش ایمان داشتند.<sup>۳</sup> «صدیق بودن» به قدری اهمیت دارد که حتی در آیه «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا» و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز؛ زیرا او پیامبری بسیار راست‌گوی بود.<sup>۴</sup> قبل از صفت «نبوت» به آن اشاره شده است، گویی زمینه‌ساز شایستگی برای پذیرش نبوت است و از این گذشته بارزترین صفتی که در پیامبران و حاملان وحی الهی لازم است، همین معناست که آن‌ها فرمان پروردگار را بی‌کم‌وکاست به بندگان خدا برسانند.<sup>۵</sup>

آیت الله جوادی آملی می فرماید: «راز صدیقه بودن حضرت مریم علیها السلام آن نیست که اخبار عادی را تصدیق می کرد و به تصدیق چیزی می پرداخت که دیگران باور داشتند، بلکه ایشان حقیقتی را تصدیق می کرد که دیگران باور نداشتند و حقیقتی را صحه می گذاشت که دیگران آن را دور می انگاشتند و روی همین استبعاد، زبان به تهمت وی می گشودند، درحالی که حضرت مریم علیها السلام برای قبول این امر غیرعادی (بشارت بر تولد مسیح و باردار شدن بدون همسر) آیت و علامت نطبلید.»<sup>۱۱</sup>

حضرت مریم علیها السلام وقتی بشارت را از فرشته ها شنید مطمئن شد و چون صدیقه بود تصدیق کرد و از خداوند علامت و نشانه نطبلید.

در مورد صدیقه کبرا علیها السلام اما بسیار بالاتر است. ایشان در قصه سقیفه، حقیقتی را تصدیق و باور داشت که پذیرش آن برای دیگران بسیار سخت بود. حضرت، حقیقتی را صحه گذاشتند که دیگران آن را انکار می کردند و به دلیل همین پابندی بر صداقت قولی و فعلی بین درودیوار قرار گرفتند.

درجه «صدیقه بودن» سیده نسای عالم، بسیار بالاتر از حضرت مریم علیها السلام است؛ زیرا در جریان حضرت مریم علیها السلام مردم به قدرت خداوند جهل داشتند و نمی پذیرفتند که مریم بدون همسر صاحب فرزند شود. بااین حال حضرت مریم علیها السلام حتی بدون نشانه، بشارت مسیح را تصدیق کرد، ولی در قصه پُر عَصَه سقیفه، مردم می دانستند و دیده بودند که دست امیرمؤمنان علیه السلام در غدیرخم به عنوان «ولی و مولا» بالا رفت و حتی «بَخِ بَخ» هم به ایشان گفتند، ولی بعد از مدتی به تکذیب امام پرداختند.

حضرت زهرا علیها السلام، مقابل انکار دیگران نه تنها امامش

را تصدیق کرد و در عصر فتنه سکوت نکرد و به روشنگری پرداختند، بلکه حتی جان شریفشان را نیز تقدیم ولایت کردند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام صدیقه شهیده؛ فاطمه زهرا علیها السلام زنی بسیار راستگو بودند و شهید از این دنیا رفتند.»<sup>۱۲</sup>

اکنون روشن می شود تأویل «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدَرِ»<sup>۱۳</sup> یعنی چه کسی می داند صدیقه کیست و چگونه از ولایت دفاع کرد و چگونه کشتی اهل بیت علیهم السلام پهلو گرفت و چگونه ریحانه و یاس نبی، کبود شد و چگونه دری که نبی برای ورودش اذن می گرفت به آتش کینه و حسادت سوخت؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خداوند يك چهارم دنیا را مهر فاطمه علیها السلام قرار داده و بهشت و جهنم را نیز مهریه او قرار داده است و دشمنانش را به جهنم و دوستانش را به بهشت وارد می کند. فاطمه علیها السلام صدیقه کبری است و در شناختن او همه جهانیان در حیرتند.»<sup>۱۴</sup>

#### پی نوشت:

۱. مانند حضرت ابراهیم و ادیس: در سوره مریم، آیات ۴۱ و ۵۶.
۲. سوره نساء، آیه ۶۹.
۳. سوره حدید، آیه ۱۹.
۴. سوره مریم، آیه ۴۱.
۵. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۷۶.
۶. «وَإِذْ قَالَتِ الْفَلَاحُكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاء الْعَالَمِينَ»، سوره آل عمران، آیه ۴۲.
۷. سوره مائده، آیه ۷۵.
۸. سوره تحریم، آیه ۱۲.
۹. المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۷۸.
۱۰. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۵۶.
۱۱. زن در آیینة جمال و جلال، فصل اول، قسمت زنان الگو در قرآن.
۱۲. مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۵.
۱۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۴۳، ص ۶۵.
۱۴. همان، ص ۱۰۵.



در سرویس پیشخوان این شماره نشریه محراب، نکاتی پیرامون ارتباط جهاد تبیین و ویژگی مهم بصیرت ارائه شده است؛ و در ادامه در گفت و گویی مهم، نقش مسجد در برابر نوجوان با توجه به وقایع ماههای گذشته مورد واکاوی و آسیب شناسی قرار گرفته است.

# پیشخوان



مسجد  
پژوهشگاه مسئله‌یابی  
محله است



تبیین حقیقت  
با باور قلبی

# تبیین حقیقت بابا و رقلبی

بررسی نسبت بصیرت  
و جهاد تبیین

محمد رضا آل آقا | پژوهشگر

بصیرت و جهاد تبیین دو واژه و یا به عبارت بهتر دو مفهومند که در کشاکش روزهای سخت و آسان سیاسی و اجتماعی در کشور مورد استفاده خاص و عام قرار می‌گیرد و هرکس بنا به منطق ذهنی خود از یک معنای آن‌ها برای اثبات منظور خود بهره می‌برد. گوناگونی نوع به کارگیری این واژه‌ها و ایجاد نسبت میان آن‌ها نشان می‌دهد که این نسبت به درستی درک نشده است و نوشتار پیش رو قصد دارد تا با تعریفی دقیق از بصیرت و جهاد تبیین از منظر اندیشه مقام معظم رهبری، به نسبت میان این دو اشاره کند.

نشریه محراب  
شماره ششم

## دانایی با باور و ایمان

بصیرت در لغت، به معنای عقیده قلبی، شناخت، یقین، زیرکی و عبرت آمده است.<sup>۱</sup> بصیرت در اصطلاح، عبارت است از قوه‌ای در قلب شخص، که به نور قدسی منور بوده، به وسیله آن حقایق اشیا و امور را درک می‌کند؛ همان‌گونه که شخص به وسیله چشم، صور و ظواهر اشیا را می‌بیند.<sup>۲</sup>

برخی فکر می‌کنند که دانایی بصیرت است، اما این‌گونه نیست، بصیرت دانایی صرف نیست. بلکه دانایی همراه با باور و ایمان است. از این‌رو، موجب هدایت و حرکت است، درحالی‌که علم همواره مقرون به باور قلبی نبوده و در نتیجه لزوماً مایه عمل به مقتضاتش نیست.

به عنوان مثال خیلی از مردم می‌دانند اگر خودروی خود را با سرعت برانند، ممکن است تصادف کنند. ولی به دلیل اینکه به رخ دادن آن باور ندارند، باز هم با سرعت می‌رانند.

دانایی در بسیاری از مردم از ساحت ذهن به ساحت قلب رسوخ نمی‌کند و به ایمان باطنی تبدیل نمی‌گردد، در نتیجه موجب رستگاری، تقوا و پرهیزگاری نمی‌شود، ولی دانایی مقرون به اعتقاد

قلبی یا همان بصیرت، مایه حرکت و عمل می‌شود و از این‌روست که بصیرت موجب هدایت است و انسان را از غفلت بیدار می‌کند. انسان بصیر به کمک این قوه از خطر گمراهی و فریب خوردن در امان است. مقام معظم رهبری دو سطح تحلیل را برای مفهوم بصیرت در نظر می‌گیرند:

الف) سطح اصولی و لایه زیرین بصیرت است که به بصیرت در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی مربوط می‌شود. نتیجه بصیرت داشتن در این سطح، هدف‌دار و نظام‌مند دیدن جهان است که زمینه همه تلاش‌ها و مبارزات انسانی در جامعه است. از این منظر که نقطه مقابل نگاه مادی است، در صورت یافتن هدف نظام توحیدی، هرگونه تلاش و مجاهدتی در راه تحقق هدف، قطعاً انسان را به نتیجه می‌رساند.

رهبر معظم در تبیین این سطح از بصیرت معتقدند: «در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: ما لنا الا احدی الحسنین؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این



## دانایی مقرون به اعتقاد قلبی یا همان بصیرت، مایه حرکت و عمل می‌شود و از این روست که بصیرت موجب هدایت است و انسان را از غفلت بیدار می‌کند

درست سنجیدن حوادث به هنگام مواجهه با آن‌ها و پرهیز از نگاه‌های عامیانه و سطحی.<sup>۴</sup>  
رهبر انقلاب در این زمینه اظهار می‌دارند: «حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آن‌ها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد می‌کند؛ یعنی بینایی ایجاد می‌کند و انسان چشمش به حقیقت باز می‌شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: فانما البصیر من سمع فتفکر و نظر فابصر؛ بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد. وقتی شنید، بیندیشد.»<sup>۵</sup>

### نسبت بصیرت و جهاد تبیین

نسبت بصیرت با جهاد تبیین در این سطح برقرار می‌شود؛ جایی که انسان بصیر به دلیل برخورد عمیق و نگاه ژرف به مسائل از حوادث گذشته و حال برای آینده عبرت خواهد گرفت.

مقام معظم رهبری در بیان مسئله تبیین بیان می‌دارند:

«تبیین اساس کار ماست. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکر غیراسلامی است... تفکر اسلامی تبیین است. فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛<sup>۶</sup> خدا به پیغمبر می‌گوید وظیفه تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنید؛ حرف‌هایتان را، نظراتتان را بگویید؛ در مسائل مهم کشور، برای شما که مجموعه‌های دانشجویی هستید، اگر روشن نیست، بروید برای خودتان روشن کنید؛ اگر روشن است، برای مجموعه دانشجویی تبیین کنید.»<sup>۷</sup>

بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه برمی‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد. درست نقطه مقابل، نگاه مادی است. نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف می‌داند؛ اصلاً نمی‌داند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدف‌هایی تعریف می‌کند... اما این‌ها هیچ‌کدام هدف‌های طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات هم بی‌معنی می‌شود، عدالت هم بی‌معنی می‌شود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری معنا پیدا نمی‌کند... پس ببینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این اساسی‌ترین پایه‌های بصیرت است.»<sup>۸</sup>

ب) سطح دیگر که بیشتر مدنظر رهبر معظم انقلاب قرار دارد، بصیرت در برخورد با حوادث اجتماعی است. بصیرت داشتن در این سطح عبارت است از تدبیر کردن، درست نگاه کردن و





رسیدن دیگران به حقیقت وقایع و سوانح و... هموار کند.<sup>۸</sup>

### چرا جهاد؟ چرا جهاد تبیین؟

حالا چرا این تبیین و هموار کردن مسیر دستیابی دیگران به حقیقت وجه جهادی پیدا کرده است؟ پاسخ این سؤال را مقام معظم رهبری این‌گونه داده‌اند:

«چرا می‌گوییم جهاد، جهاد تبیین؟ این گرفته شده از کلام امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف خودشان به حسنین علیهم السلام که خطاب به آن‌هاست، می‌فرمایند: وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي؛ یعنی بنده و شما هم مخاطب این وصیتیم - از

نسبت روشن شدن حقیقت با جهاد تبیین در واقع همان نسبت حقیقت است با مفهوم بصیرت. برای فهم صحیح این موضوع باید در نظر داشت که انسان مؤمن برای روشن شدن حقیقت باید گام بردارد، حالا این حقیقت می‌تواند حقیقت یک واقعه، سانحه یا رخداد تاریخی باشد، یا حقیقت چرایی یک تصمیم و... هر حقیقتی برای این روشن شدن نیازمند بصیرت است و بدون جسم، جان، عقل، دل آگاه و دانا، نمی‌توان به حقیقت دست یافت.

انسان مؤمن برای رسیدن به حقیقت، نیازمند به بصیرت است و هنگامی که به حقیقت دست یافت، آنگاه با جهاد تبیین می‌بایست مسیر را برای



**انسان مؤمن برای رسیدن به**

**حقیقت، نیازمند به بصیرت**

**است و هنگامی که به حقیقت**

**دست یافت، آنگاه با جهاد تبیین**

**می بایست مسیر را برای رسیدن**

**دیگران به حقیقت وقایع و سوانح**

**و... هموار کند**

تبلیغی یا رسانه‌ای است، مطلب برایش روشن شود و بتواند برای دیگران روشنگری کند؛ بنابراین، یکی از مهم‌ترین مخاطبان تبیین، نخبگان، مسئولان، مدیران، روحانیت و ائمه جمعه و... هستند.

«مردمی بودن یعنی چه؟ مردمی بودن یعنی با مردم عادی معمولی مخلوط شدن، نشست و برخاست کردن، هم گوش شنوا برای شنیدن حرف مردم داشتن، هم زبان گویا برای روشن کردن ذهن مردم داشتن. اینکه ما برویم در یک جمعی از مردم [که] یک داعیه‌ای دارند، یک خواسته‌ای دارند، حرفشان را بشنویم و بعد هم بگوییم: بله، صد درصد حق با شماست و این کسانی که گوش نمی‌کنند، عمل نمی‌کنند، چنین و چنان هستند، نه، [کافی نیست]؛ یک وقت‌هایی هست یک گرهی در ذهن مردم هست، شماها باید این گره را باز کنید؛ این جهاد تبیین که ما عرض کردیم، شامل این موارد می‌شود... باید به مردم کمک کنیم؛ کمک، هم شنیدن حرف آن‌هاست، هم اجرا کردن خواسته آن‌هاست در صورت امکان، هم روشن کردن ذهن آن‌هاست در صورت وجود اشکال و عدم امکان.»<sup>۱</sup>

اگر گروه‌های تأثیرگذار اجتماعی وظیفه جهاد تبیین خود را به‌درستی انجام بدهند، جامعه هم متأسی از حرکت در مسیر کشف حقیقت بصیر خواهد شد. منظور از اجتماع، بصیر اجتماعی است که علاوه بر چشم سر، چشم دلش نیز بینا باشد، گره‌های کور مشکلات خود را پیدا کرده و راه گشودن آن را می‌داند، دوستان و دشمنان

جمله چیزهایی که می‌فرمایند [این است]: وَ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ جهاد با السنه. حالا خوشبختانه [از میان] ملت ما، کسانی که می‌توانستند، وارد بودند، با اموالشان، با انفسشان جهاد کردند؛ الان هم دارند جهاد می‌کنند؛ با السنه هم باید جهاد کرد که کسانی در این بخش هم می‌توانند واقعاً فعال باشند و جهاد کنند.»<sup>۲</sup>

### مخاطب اول

مخاطب بصیرت و جهاد تبیین اما در سطح اول، نخبگان، مسئولان و اقشار تأثیرگذار بر جریانات فکری و سیاسی‌اند. «جهاد تبیین» در مواجهه با نخبگان، مسئولان، روشن‌فکران، عالمان دینی و کسانی که در مسند هدایت مردم قرار دارند، ارزش مضاعف پیدا می‌کند؛ زیرا مجاهدت مضاعفی لازم است تا فردی که در رأس دستگاه

## مقام معظم رهبری در بیان مسئله تبیین بیان می‌دارند: «تبیین اساس کار ماست. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم؛ باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتد، جسم‌ها به کار نمی‌افتد؛ این فرق بین تفکر اسلامی و تفکر غیراسلامی است... تفکر اسلامی تبیین است.»

### پی‌نوشت:

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۴، ص ۶۵، واژه «بصر».
۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، ج ۶، ص ۲۶۳.
۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴
۴. صورت‌بندی مفهوم بصیرت در اندیشه مقام معظم رهبری، سایت خبری تحلیلی بصیرت، دی ۱۳۹۵
۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان استان قم، ۱۳۸۹/۸/۴
۶. سوره رعد، بخشی از آیه ۴
۷. بیانات در دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۵/۰۴/۱۲
۸. همان
۹. همان
۱۰. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۱/۰۳/۰۴
۱۱. «یا أَهْلَ الْكُوفَةِ، مُنِيتُ مِنْكُمْ بِلَاثٍ وَ اثْنَتَيْنِ: ضَمُّ دُؤُو أَسْمَاعٍ، وَ بُكْمٌ دُؤُو كَلَامٍ، وَ غَمِي دُؤُو أَبْصَارٍ، لَا أَحْرَاضَ صَدَقٍ عِنْدَ الْإِقَاءِ، وَ لَا إِخْوَانٍ يَقُو عِنْدَ الْبِلَاءِ!؛ ای کوفیان! من به سه خصلت [که در شما هست] و دو خصلت [که اصلاً در شما نیست] گرفتار شده‌ام: با اینکه گوش دارید، کرید و با اینکه سخن می‌گویید، گنگید و با اینکه چشم دارید، کورید [و اما آن دو خصلت که ندارید]: نه هنگام رویارویی با دشمن آزادگانی با صداقت‌د و نه به گاه سختی و بلا، برادرانی مورداعتمادید!»؛ نهج البلاغة: خطبة ۹۷

خود را می‌شناسد، به ضعف‌های خویش آشنا  
 و راه درمانش را می‌داند، جریان‌های سیاسی و  
 فرهنگ‌ساز و ارتباط آنان را با ارباب دین و دنیا  
 می‌شناسد، رابطه زور و تزویر را درک می‌کند و  
 نسبت به علائم نفاق، صداقت و عناد شناخت  
 کامل دارد. در مقابل اگر جامعه‌ای دردهای خود  
 را نشناسد و راه درمانش را نداند و نسبت به  
 سرچشمه‌های هدایت و انحراف خود بیگانه باشد،  
 معیار روشنی برای اقبال و ادبار به شخصیت‌ها  
 و یا امواج فکری و فرهنگی حاکم بر محیط خود  
 نداشته باشد، بی‌دلیل روزی از یک شعار حمایت  
 و بی‌حساب فردای آن روز با آن مخالفت کند،  
 چنین جامعه‌ای فاقد بصیرت و نایبناست،  
 کما اینکه جامعه عصر حاکمیت امیرمؤمنان (ع)  
 به این بلا مبتلا بود، به طوری که حضرت در وصف  
 آن‌ها فرمودند: «غمی ذو ابصار؛ شما چشم دارید  
 اما کورید.»<sup>۱۱</sup>







# مسجد

## پژوهشگاه مسئله‌یابی محله است

مسجد نهادی عبادی است، که می‌تواند وظیفه تربیت و پرورش جامعه اسلامی را هم بر عهده داشته باشد. اما برای رسیدن به این هدف آنچه حائز اهمیت است، مدیریت مسجد و نگاه کلانی است که در اداره مسجد صورت می‌پذیرد. برای کاوش در چگونگی رسیدن به این باور مدیریتی با حجت الاسلام والمسلمین مجتبی وافی، کارشناس و فعال عرصه تربیت، گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه خواهد آمد:

کیا فخر | خبرنگار

گاهی کوچک‌ترین مشکلی که در  
 نوجوان می‌بینیم انگي، برچسبي را  
 به او می‌زنيم. حالا با دیدن قیافه‌ای،  
 مویی، لباسی، کلامی و یا حرکتی،  
 نوجوان را تخطئه می‌کنيم و همین  
 باعث می‌شود نوجوان امروزی گاهی  
 با یک حرکت‌هایی همراه می‌شود

س: وقایع شهرپور و مهر ۱۴۰۱ باید به  
 رصد فرایندهای موجود بینجامد، حضور  
 نوجوانان در این تحولات یک سؤال  
 ایجاد می‌کند: آیا مسجد در حوزه تربیت  
 نوجوان دارای کارکرد درستی است؟ آیا  
 برای حضور و جذب نوجوان در مسجد  
 مدیریت صحیحی صورت پذیرفته  
 است؟

س: اینکه دریافت نوجوان از واقعیات از  
 مسیر رسانه‌های مختلف صورت می‌پذیرد  
 شیوه عمل او را متغیر نکرده است؟

ج: نکته دوم که قصد داشتم بگویم همین است که  
 این نوجوان امروزی البته با همه این فطرت پاک  
 و پرتوانی‌اش در یک محیط باز و تحت تأثیر عوامل  
 بیرونی فراوانی قرار گرفته. ما پیش‌تر یک نوجوان  
 دهه شصتی داشتیم که سریال تلویزیونی‌اش  
 «اوشین» بود و فیلم سینمایی‌اش «اژدها وارد  
 می‌شود» و کارتونش هم «هاج، زنبور عسل». آن  
 آدم کجا [و این] نوجوانی که امروز با تلفن هوشمند  
 با یک کلیک می‌تواند خودش را [در] هر محیطی  
 ببیند و دسترسی‌های متعددی داشته باشد،  
 [کجا]؟

این نوجوان در معرض عوامل بیرونی فراوانی،  
 خصوصاً [در] فضای مجازی است. بنابراین نسبت  
 به نوجوان امروزی ما باید بفهمیم با چه کسی  
 طرفیم. یک فطرت پاک پرتوان پرانرژی که متأثر

ج: من یک قدم به عقب‌تر برمی‌گردم، تا  
 این را بگویم که برای بهبود نسبت مسجد و  
 کارکردهایش سه نگاه باید تغییر کند؛ اولین  
 نگاهی که باید تغییر کند، تغییر نگاه به خود  
 نوجوان امروزی است. یعنی ما گاهی چون خود  
 نوجوان را نمی‌شناسیم، نمی‌توانیم کاری برای  
 او بکنیم، نوجوان امروزی متفاوت شده است،  
 نوجوان امروزی هم مانند هر انسانی که خداوند  
 متعال می‌آفریند با فطرتی پاک به دنیا می‌آید و  
 بسیار پرتوان و به‌قول خودمان پرانرژی، حرکتی  
 و پرنشاط است.

اما خب ما گاهی همین نگاه را نداریم. یعنی گاهی  
 کوچک‌ترین مشکلی که در نوجوان می‌بینیم انگي،  
 برچسبی را به او می‌زنيم. حالا با دیدن قیافه‌ای،  
 مویی، لباسی، کلامی و یا حرکتی، نوجوان را تخطئه  
 می‌کنيم و همین باعث می‌شود نوجوان امروزی  
 گاهی با یک حرکت‌هایی همراه می‌شود، درحالی‌که  
 این نوجوان همان نوجوان فطرت پاک پرتوان  
 است و همان است که توی دهه شصت و دفاع  
 مقدس هم میان‌دار بود.



## ما خیال می‌کنیم چهار تا برنامه پراکنده فرهنگی که حالا هر کدام پرتاب یک تیر در تاریکی است، فعالیت مدون تربیتی است؛ که [البته] این گونه نیست

نشسته‌اند و در ذیل یک برنامه فرهنگی می‌خندند  
بر نمی‌تابد. چرا؟ چون این‌ها تصورشان از مسجد  
غلط است.

سومین نگاهی که باید تغییر کند تغییر نگاه به کار  
فرهنگی است. ما خیال می‌کنیم چهار تا برنامه  
پراکنده فرهنگی که حالا هر کدام پرتاب یک تیر  
در تاریکی است، فعالیت مدون تربیتی است؛ که  
[البته] این گونه نیست.

نسل امروزی با یک فرایند تربیتی دینی مستند به  
روش اهل بیت می‌تواند کارش پیش برود. تربیت با  
تک برنامه‌های فرهنگی، حتی اگر با یک هیجانات،  
شورها و شعورهایی هم همراه باشد صورت  
نمی‌گیرد.

### س: برای مخاطبان نشریه محراب بفرمایید که برنامه فرهنگی برای نوجوان امروز باید چه مؤلفه‌هایی داشته باشد؟

ج: به نظر من در عرصه فرهنگی تربیتی باید روی  
روابط انسانی و آن نظام مربی و متربی کار کنیم.  
آن هم مبتنی بر روش تربیت دینی. در روش تربیت  
دینی به اصل تعقل و تفکر خیلی توجه می‌شود،  
اما ما کمتر برنامه‌های فرهنگی‌ای را می‌بینیم که  
موجب تفکر و تعقل در نوجوان امروزی بشود. یکی  
از معضلاتی که در همین جریان‌ات اخیر داریم این  
است که عقل‌ها و فکرهای بچه‌هایمان آن قوام  
لازم را ندارد. آن‌ها محاسبه‌ها را ندارد. فلذا چه  
اتفاقی می‌افتد؟ می‌بینیم [نوجوان] با کوچک‌ترین  
مسئله‌ای هیجانی می‌شود و به جای اینکه عقلش  
حاکم بشود، هیجانات و غریزه‌هایش بر او حاکم  
می‌شوند. این به خاطر نوع تربیت ماست. این

از یک فضای سنگین [و] اتمسفر بیرونی است و  
حرف‌هایی دارد که گوشی برای شنیدن آن نیست.  
کارهایی می‌خواهد بکند که همراهی ندارد.  
اعتراض‌هایی می‌خواهد بکند، مشورت‌هایی  
می‌خواهد بگیرد، درد دل‌هایی می‌خواهد بکند که  
ما کمتر [گوش شنوایی] در دسترسش قرار داده‌ایم  
و بعد می‌گوییم این‌ها حرف‌های ساده و حرف‌های  
بیهوده‌ای است. اما بالاخره یک کسی باید [حرف]  
این‌ها را بشنود. فلذا نوجوان امروزی ما در عین  
پرتوانی در یک اتمسفر سنگین و تحت تأثیر عوامل  
بیرونی و نسبتاً تنها و رهاست.

دومین نگاهی که باید تغییر بکند نگاه به خود  
مسجد است. تا وقتی ما مسجد را حداکثر برای  
نماز، آن هم فقط در وعده‌های ظهر، مغرب و  
عشا دیده‌ایم، طبیعتاً نمی‌توانیم انتظار کارکرد  
تربیتی و حداکثری از آن را داشته باشیم. وقتی  
نگاهمان به مسجد حداقلی شد، شما می‌بینید  
آن عضو هیئت‌امنا، آن پیرمرد و قدیمی‌تر مسجد  
و گهگاهی حتی خود امام جماعت و خادم مسجد  
هم وقتی می‌بینند چند نوجوان یک گوشه مسجد



### س: برای ایجاد این تغییرات سه‌گانه چه پیشنهادهایی را می‌توان به امام جماعت داد؟

ج: اگر اجازه بفرمایید من یک بحث کارکردی برای مسجد داشته باشم که از لایه‌لای آن جواب سؤال شما و کارکرد امام جماعت بیرون می‌آید: اولین کارکردی که برای مسجد می‌خواهم بگویم، این است: «مسجد داروخانه است.»، این یعنی چه؟ یعنی ما ساکنان یک محله دردهایی داریم، حالا چه نوجوان‌های محل، چه بزرگ‌ترهای محل، باید یک جایی باشد که دردهایمان را به آنجا ببریم و چنین داروخانه و پناهگاهی مسجد است. من یادم نمی‌رود سال ۱۳۶۸ در هنگام رحلت امام خمینی علیه السلام، حاج احمدآقا وقتی دید مردم به هم ریخته‌اند، پیشنهاد داد که بروید مسجدها را باز کنید، مردم محل بیایند توی مسجد. من یادم است مسجد محل خودمان، که خبر اعلام شد، مردم ریختند مسجد و آنجا خب مؤمنین همدیگر را دیدند و آن دیدارها و آغوش‌ها و اشک‌ها باعث تسکین درد مردم شد. می‌خواهم بگویم ببینید مسجد باید بشود پناهگاه، باید بشود داروخانه، باید بشود مطب،

نوجوان شاید در یک هیئتی در مسجد هم شرکت کرده باشد، شاید چهار تا برنامه فرهنگی و اردویی جایزه‌دار و جلسه هم رفته باشد، اما روش تربیتی اسلام متفاوت با این فعالیت‌های فرهنگی است که به‌طور دقیق پیاده نشده است.

ما اسم هر کار خوبی را می‌گذاریم: تربیتی و فرهنگی، اما این طور نیست، کار باید دقیق و مستند، به روش تربیتی و معارف دینی اهل بیت باشد که این خودش جای گفت‌وگوی مفصل دارد.

به‌نظر من آن روابط انسانی مهم‌تر است. یعنی ما اگر یک مربی فهمیده‌ای در مسجد داشته باشیم که یک گوشه مسجد بنشیند و فقط با بچه‌ها گفت‌وگو کند، حتی اگر [بچه‌ها را] اردو نبرد، حتی اگر جوایزی ندهد، حتی اگر ما یک شورها و هیجانات پانصد نفری نداشته باشیم، فعالیت تربیتی درست‌تری نسبت به برنامه‌های معمول این روزها انجام داده‌ایم.

یک مربی که تا یک حدی از مسائل تربیتی و روش تربیتی اسلام، اهداف تربیتی، روش تربیتی، مسائل تربیتی اسلام سر دربی‌آورد، می‌تواند در همین گوشه مسجد اتفاق‌هایی را رقم بزند و نیروهایی را تربیت کند که با هزاران برنامه شلوغ و سروصداکن و چشم‌پرکن قابل مقایسه نیست.

**یک مربی که تایک حدی از مسائل  
تربیتی و روش تربیتی اسلام،  
اهداف تربیتی، روش تربیتی،  
مسائل تربیتی اسلام سر در بیاورد،  
می تواند در همین گوشه مسجد  
اتفاق هایی را رقم بزند و نیروهایی  
را تربیت کند که با هزاران برنامه  
شلوغ و سرو صداکن و چشم پرکن  
قابل مقایسه نیست**

انقلاب اسلامی را قبول ندارم، نمی دانم، زمان پهلوی این جور بوده، حکومت پهلوی آن جور بوده...» هر سؤالی دارد مطرح کند.

شما نگاه کنید ما مناجات در مسجدهایمان نداریم؛ یعنی یک جایی که انسان با خدایش، با آن معشوق واقعی اش حرف بزند. ما دفاع مقدس را عمدتاً با مناجات و دعا گردانیدیم. ما [پیش خودمان] خیال می کنیم نوجوان اهل مناجات [نیست]، اما هست، مناجات باعث تسکین هم هست. بنابراین باید بحث مناجات با خدا را راه اندازی بکنیم، خیلی [از] این بچه ها دل هایشان آرام تر خواهد شد.

بنابراین اگر ما مسجد را پناهگاه و داروخانه ببینیم می نشینیم برای آن تدبیر می کنیم. استادهایی بیایند، مربیانی مشغول بشوند، خود امام جماعت یک گوشه کار را بگیرد...

شما می گوئید کارکرد امام جماعت، من وقتی می گویم مسجد، منظورم [به طور کلی] امام جماعت، دست اندکاران، جوان ها، کانون و پایگاه بسیج است، نظرم از مسجد این است.

دومین کارکردی که می خواهیم در رابطه با مسجد به کار ببرم، این است که مسجد پرورشگاه و

حالا نگاه کنید اینجا چه امام جماعت، چه کانون فرهنگی نقش خودشان را پیدا می کنند، یعنی ما نقش پناهگاهی و داروخانه ای باید ایفا کنیم. یعنی چی؟ یعنی هرکسی که مشکل دارد بیاید در اینجا را بزند، پایش را اینجا بگذارد. از او بپرسند «چه مشکلی داری؟» بگویند «من مشکل فکری دارم، مصالح روز را نمی فهمم، مصالح سیاسی، فرهنگی، اعتقادی را قبول ندارم.» اصلاً بگویند «آقا، من خدا را قبول ندارم، من برایم اینجا شبهه پیش آمده،







نمی‌شود که در مسجد بنشینیم و بگوییم «برنامه‌ای گذاشتیم، مردم محله بیایید سراغ ما.» برعکس، باید امام جماعت به فوتبال بچه‌ها در محله سر بزند، حالا گاهی اوقات یک بازی هم بکند حتی. امام جماعت باید مغازه‌های محل را بشناسد و در آن‌ها چند دقیقه‌ای مهمان کسبه باشد. امام جماعت باید مدرسه‌های محله را رفته باشد. امام جماعت باید در اوقات مریضی، مکه رفتن‌ها، زیارت رفتن‌ها و حج رفتن‌های مردم محله حاضر باشد. خانه‌به‌خانه برود و بنشیند. ما مسجدی‌ها اول باید برویم سراغ محله، بعد مسائل محله را استخراج کنیم. وقتی نشستیم با مردم و گوش شنوایی برای آن‌ها شدیم، این‌ها مسئله‌هایشان را می‌گویند. مسائل محله که به دست آمد، می‌شود در مسجد با کارشناس‌ها، با آن کسانی که این‌کاره‌اند نشست و تحلیل کرد که اگر ما بخواهیم مسائل محله خود را از فقر تا بیکاری و غیره حل کنیم باید این کارها را کرد.

رشدخانه است، یعنی من نوجوان که می‌روم در مسجد باید پرورش پیدا کنم، رشد پیدا کنم. این پرورش و ارتقای فکری با گذاشتن کلاس‌ها، برنامه‌ها، حلقه‌ها، جلسات، معرفی کتاب‌ها، کتاب‌خوانی و این‌ها ایجاد می‌شود. سومین و آخرین کارکردی که بسیار مهم هم است، این است که مسجد یک پژوهشگاه و موتورخانه است. پژوهشگاه محل کار فکری است. منظورم این است، مسجد باید قلب تپنده محله باشد. من می‌گویم مسجد باید ستاد مرکزی باشد و محله در این نقشه می‌شود منطقه عملیاتی. مسجد ما دوکوهه است، منطقه عملیاتی شلمچه است. ما رابطه محله و مسجد را باید برقرار کنیم. ببینید حتی اگر ما می‌خواهیم نوجوان را به مسجد دعوت کنیم باید سراغ محله برویم. مسجدی‌ها، حالا هرکسی هست، امام جماعت، جوان‌ها و بزرگ‌ترها، آن‌هایی که دغدغه دارند. این‌ها باید بروند داخل محله،







با مساجد همین را می‌گویند. از امام جماعت نمی‌شود عبور کرد، چون امام جماعت‌ها حال این کارها را ندارند، باید جابه‌جا بشوند. امام جماعت مثل فرمانده لشکر است، متولی می‌خواهد، نمی‌شود هرکسی یک گوشه‌ای را [طبق نظر خودش پیش ببرد]؛ هیئت‌امنا یک چیز بگوید، خادم یک چیز بگوید، بچه یک چیز بگوید و کانون فرهنگی یک چیز دیگر. محوریت با امام جماعت است، اما امام جماعت به تنهایی نمی‌تواند، باید در کنارش دانشجوها، طلبه‌ها و معلم‌ها قرار داشته باشند؛ امام جماعت باید جوان‌هایی که انرژی دارند، دغدغه دارند، در مسجد به کار بکشد، تا ان شاء الله نقش آفرینی مسجد در جامعه با ترتیب بهتری صورت بپذیرد.

این راهکارها باز در محله است، که باز اهالی مسجد باید به سراغ صاحب کارخانه و متمدول و غیره بروند و مشکل را حل کنند.

ما تا وقتی بنشینیم توی مسجد [و توقع داشته باشیم] با دو تا برنامه عمومی، کلیشه‌ای، قدیمی و سنتی فقط بخواهد کار بکند جواب‌گو نیست.

**س: مغزافزار این تغییر، طبق نظر جناب عالی امام جماعت است؟ یا نهاد متولی مسجد باید وظیفه برنامه‌سازی را انجام دهد؟**

ج: نهاد متولی که مشخص است، باید با همه ظرفیت‌ها بیایند داخل میدان، ولی محوریت اصلی با امام جماعت است، امام جماعت محور است. خود حضرت امام خمینی علیه السلام هم در رابطه

پرونده این شماره نشریه محراب با موضوع تربیت فاطمی است. در این پرونده به مقوله تربیت فردی، خانوادگی و اجتماعی با استفاده از سیره، زیارتنامه، حدیث کساء، خطبه فدکیه و ... پرداخته شده است. در این پرونده علاقمندان به پژوهش در عرصه معارف فاطمی کتابی فاخر معرفی شده است.

# پرونده تربیت فاطمی



مسیر تربیت  
از امتحان تا تصدیق



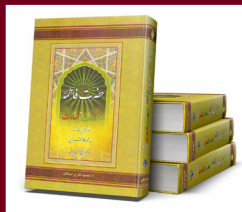
حیاء، در آینه خطبه  
فدکیه



تربیت در قاموس  
سیده النساء



روضه های شهادت  
حضرت زهرا ع



کتاب «فاطمه الزهرا  
من المهدالی الالحد»



خانواده  
و تجربه بهشت



# تربیت در قاموس سیدة النساء

مروری بر مبانی تربیتی حضرت زهرا علیها السلام

حسن فکری | پژوهشگر

۲۰

نشریه محراب  
شماره ششم

## مقدمه

مبانی یعنی پایه‌ها و اساس یک بنا که روبنای آن دیده می‌شود.<sup>۱</sup> تربیت از «ربو» گرفته شده و به معنای رشد دادن، پروراندن و شکل دادن است.<sup>۲</sup> تربیت، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری و اندیشمندان در طول تاریخ بوده است.

تربیت در واقع هنر تغییر رفتار است. تربیت، برانگیختن استعدادها و قوای گوناگون انسان و پرورش آن‌هاست. تربیت در آموزه‌های اسلامی به مراحل رشد انسان در ابعاد مختلف جسمانی، روحانی، مادی و معنوی گفته می‌شود.

حضرت زهرا دختر رسول الله، پیامبر نور و رحمت است. ایشان در خانواده‌ای ایمانی به دنیا آمد و در دامن پرمهر یکی از بهترین زنان عالم، حضرت خدیجه علیها السلام پرورش یافت؛ بهترین معلم عالم هستی که کلامی غیر از رضایت حق به زبان نداشت. ایشان به عنوان یکی از بهترین اسوه‌های حسنه در بین زنان عالم شناخته می‌شود. حضرت زهراى مرضیه با گفتار، رفتار و منش خود یکی از بهترین الگوهای بندگی خداست.

مبانی تربیتی ایشان می‌تواند چراغ راه پویندگان راه تعلیم و تربیت باشد؛ در این نگاشته تلاش شده تا برخی از نمونه‌های گزارش شده در تاریخ و سیره بیان گردد.

## عشق و محبت به خدا، رسول الله و ولایت

حضرت زهرا علیها السلام خود سرشار از محبت خدا و رسولش بود؛ ایشان با رفتار عملی و سخنان

حکمت آمیز عشق و علاقه خدا و رسولش را در دل فرزندان نهاد. حضرت فاطمه خانوده خود را از آتش گناه و جهنم نگه داشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «چون آیه ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتش نگه دارید، نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله! چگونه خود و خانواده مان را حفظ کنیم؟ فرمود: عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود نیز یادآوری کنید و برپایه فرمان برداری از خدا پرورششان دهید.»<sup>۳</sup> حضرت زهرا علیها السلام در عمل خیر و رفتار عبادی و محبت به خدا و رسول و ولی یک شخصیت استثنایی است.

## استقامت و بردباری

حضرت زهرا علیها السلام در راه حق و حقیقت و دفاع از حریم ولایت تمام تلاش خودش را کرد. ایشان به عنوان الگوی صبر و استقامت برابر امر الهی و برای بیداری جامعه اسلامی در دفاع از اسلام و ولایت از همه امکانات و راهکارهای روشنگری بهره برد. این سبک از زندگی می‌تواند مبنای یک تربیت اسلامی باشد. در تمام دوره‌های تاریخی دشمنانی برای مقابله با اسلام وجود دارند که از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند؛ حضرت زهرا علیها السلام با سخنرانی روشنگرایانه در مسجد مدینه و گریه بر مصیبت پیامبر و اقرار گرفتن از دشمنان ولایت در خصوص غصب ولایت حضرت علی علیه السلام، مردم مدینه را بیدار کرد. این اقدامات حضرت زهرا علیها السلام فریاد مظلومیت، صبر و استقامت او، نشان داد ظلم و ستم دشمنان و منافقان بر دین خدا و ولی خدا صورت گرفته است.

## بندگی و عبودیت

یکی از مبانی تربیتی حضرت زهرا علیها السلام بُعد پرستش خدا و بندگی اوست. آن حضرت شوق بندگی و خضوع برابر معبود را از همان دوران کودکی داشت و این سبک زندگی را در جان فرزندان خود تقویت کرده و آنان را چنان تربیت کرد که بهترین کارها را عبادت خداوند بدانند.

دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر نیایش، بندگی، نماز و روزه تأکید داشت. ایشان فرزندان خود را از همان کوچکی به انجام عبادت سفارش می کرد و آنان را به خدای سبحان پیوند داده و بذر محبت و ارتباط با خدا را در کام آنان نشاناند. در روایات آمده است که حضرت زهرا به قدری روی پا ایستاد و عبادت کرد که پاهای او ورم کرد. امام حسن علیه السلام می گوید: «مادرم از اول شب تا صبح عبادت می کرد و هرگاه از نماز فازغ می شد برای دیگران دعا می کرد، تا جایی که از او پرسیدم: چرا برای خودتان دعا نکردید؟ فرمود: الجارثم الدار».

حضرت زهرا در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان فرزندان خود را به بیداری و نخوابیدن وامی داشت و می فرمود: «محروم است کسی که از برکات شب قدر محروم بماند.»<sup>۴</sup> گویا حضرت فاطمه می خواست از دوران کودکی در قلب پاک فرزندان خود جمال خدا را به تجلی و جان و زبانشان را به حلاوت و شیرینی عبادت آشنا کند و محبوب راستین را به آنان نشان دهد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ما فرزندان خود را از پنج سالگی به نماز فرامی خوانیم، شما فرزندان را از هفت سالگی به انجام نماز وادار نمایید.»<sup>۵</sup>

روزی حضرت فاطمه علیها السلام بابت سختی کار از رسول

خدا صلی الله علیه و آله درخواست خدمتکار کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله تسبیحات خدای سبحان را به آن بانو آموخت. حضرت زهرا علیها السلام تسبیحی از پشم درست کرد و ذکرهای «الله اکبر»، «الحمد لله» و «سبحان الله» را تکرار می کرد. پس از شهادت حضرت حمزه، تسبیحی از تربت قبر حضرت حمزه برای خود ساخت تا در شرایط سخت زندگی به تسبیحات الهی مداومت بورزد. امام باقر علیه السلام فرمود: «مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِنَ التَّحْمِيدِ أَفْضَلَ مِنْ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ علیها السلام وَلَوْ كَانَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنْهُ لَنَحَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَاطِمَةَ علیها السلام؛ عبادت نشده خدای سبحان به چیزی بهتر از شکر الهی که در تسبیح حضرت فاطمه است و اگر بهتر از آن چیزی بود به حتم حضرت رسول خدا آن را به فاطمه زهرا علیها السلام می آموخت.»

## دشمن شناسی و استکبارستیزی

بعد از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله، مسلمانان به چند دسته تقسیم شدند. دشمن و منافقان فرصت را مناسب دیده و با ترفندهای مختلف در صدد تسلط بر جامعه نوپای اسلامی و شهر مدینه النبی برآمدند. حضرت زهرا علیها السلام با کیاست و بصیرتی که داشت، تمام اقدامات دشمن را شناخت و در بهترین موقع با شیوه های منحصر به فرد آنان را رسوا کرد. خط طاغوت، نفاق و استکبار در دوره بعد از ارتحال رسول الله، جلوه ای جدید پیدا کرد، دشمن در لباس تزویر به جنگ با اسلام برآمد. حضرت زهرا علیها السلام با سخنرانی ها و رفتار خویش با دشمن در غصب خلافت، غصب فدک و غارت اسلام به صورت مستقیم و غیرمستقیم وارد مبارزه شد. آن حضرت





## دختر رسول خدا ﷺ بر نیایش، بندگی، نماز و روزه تأکید داشت. ایشان فرزندان خود از همان کوچکی به انجام عبادت سفارش می‌کرد و آنان را به خدای سبحان پیوند داده و بذر محبت و ارتباط با خدا را در کام آنان نشاناند

جابر بن عبدالله می‌گوید: «در مسجد رسول الله ﷺ نماز می‌خواندیم که پیرمرد کهنه‌پوش ضعیفی وارد مسجد شد. رسول خدا حال او را پرسید، پیرمرد گفت: گرسنه‌ام، مرا سیر کن، لباس ندارم، مرا بپوشان و فقیرم کمکم کن. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من چیزی ندارم، ولی تو را راهنمایی می‌کنم؛ انطلق إلی منزل من یحب الله و رسوله و یحبه الله و رسوله یور الله علی نفسه انطلق إلی حجرة فاطمة.»<sup>۱</sup>

پیرمرد به همراه بلال به سراغ حضرت زهرا ﷺ رفت، پس از سلام درخواستش را بازگو کرد، درحالی‌که حضرت زهرا ﷺ با فرزندانش ﷺ چند روز بود که هیچ چیزی نخورده بودند و پیامبر ﷺ هم از این مسئله با خبر بود. حضرت زهرا هم پوست گوسفندی که حسن و حسین روی آن می‌خوابیدند به او داد، پیرمرد عرض کرد: «من گرسنه‌ام به من پوست می‌دهید؟» آنگاه حضرت گردن بند خود را به او هدیه داد. او هم به مسجد آمد و جریان را به حضرت رسول ﷺ گفت. حضرت فرمود: «بفروش، ان شاء الله خدا کارت را درست کند.» سپس

در خطبه‌ای که به خطبه فدکیه معروف شده است با غاصب نشان دادن خلیفه و اثبات عدم کفایت او به همگان نشان داد که او لیاقت خلافت بر مسلمانان را ندارد. آن حضرت می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الْبَكْرُ ادْعَيْتَ أَنَّكَ خَلِيفَةُ أَبِي وَ جَلَسْتَ مَجْلِسَهُ وَ أَنَّكَ بَعَثْتَ إِلَى وَكَيْلِي فَأَخْرَجْتَهُ مِنْ فَدَكٍ وَ قَدْ تَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَدَقَ بِهَا عَلَيَّ؛<sup>۲</sup> ای ابابکر، ادعا می‌کنی که جانشین پدر منی و در جای او نشسته‌ای، درحالی‌که کسی را به‌سوی وکیل من فرستادی و وکیل مرا را از فدک اخراج کردی، درحالی‌که تو می‌دانی که رسول خدا فدک را به من بخشیده است.»

این گوشه‌ای از اقدامات آن حضرت در دفاع از حریم اسلام و ولایت است که در تاریخ ثبت گردیده است.

### ایثار و گذشت

یکی دیگر از مبان‌ی تربیتی که در سیره حضرت زهرا ﷺ به چشم می‌خورد، ایثار و گذشت است. آیات پربرکت سوره «هل آتی» با تحلیلی روشن در شأن حضرت فاطمه و فرزندان پاک ایشان است.<sup>۳</sup> «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا.»<sup>۴</sup>

حضرت زهرا ﷺ در روزهایی که روزه بود، غذای خودش را به مسکین و یتیم و اسیر انفاق کرد. به‌گونه‌ای که در شأن رفتار او آیات سوره «هل آتی» نازل شده است. دادن گردن بند به مرد فقیر که موجب شد گرسنه‌ای سیر، عریانی پوشانده، فقیری بی‌نیاز، بنده‌ای آزاد شود و آخر هم به صاحبش برگردد.<sup>۵</sup>





پی نوشت:

۱. دهخدا، واژه میانی.
۲. التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۴، ص ۳۹.
۳. الإمام الصادق عليه السلام: «لَمَّا نَزَلَتْ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» قَالَ النَّاسُ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَأَهْلِينَا.» قَالَ: «اعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكِّرُوا بِهِ أَهْلِيكُمْ وَأَذِّنُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ.»، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.
۴. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲.
۵. وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۱۲.
۶. کافی، ج ۳، ص ۳۴۳.
۷. اختصاص، ص ۱۸۳.
۸. بحار، ج ۴۳، ص ۵۶.
۹. سورة انسان، آیه ۸.

۱۰. حضرت رسول الله فداها ابوها
۱۱. بشاره المصطفی، ص ۱۳۷.



رسول خدا گریه کرد و فرمود: «چطور خدا کار او را درست نکند درحالی که بهترین دختران آدم به او گردن بندی اهدا کرده است؟» عمار یاسر عرض کرد: «یا رسول الله اجازه می دهید من گردن بند را بخرم؟» فرمود: «بخر.»

به اعرابی گفت: «گردن بند را چند می فروشی؟» پیرمرد گفت: «به مقداری گوشت و نان که بخورم و لباسی که بپوشم و دیناری که به وطن خود بازگردم.» عمار ۲۰ دینار و ۲۰۰ درهم و یک بُرد یمانی و یک مرکب و مقداری گوشت و نان به او داد. پیرمرد گفت: «به راستی چقدر سخاوتمندی.»

پیرمرد خدمت رسول الله رسید و برای حضرت زهرا دعا کرد و پیامبر اکرم آمین گفت. عمار یاسر آن گردن بند را

خوش بو کرد و داخل یک بُرد یمانی گذاشت و به همراه

غلامی تقدیم حضرت زهرا کرد. حضرت زهرا غلام را آزاد کرد، غلام می خندید. فرمود:

«چرا می خندی؟» عرض کرد: «از برکت این گردن بند در تعجبم،

گرسنه ای را سیرکرد، عریانی را

پوشانید، فقیری را بی نیاز و برده ای

را آزاد کرد و سپس به صاحبش برگشت.»

این ایشار و گذشت در زندگی ایشان به عنوان یک سبک و یک مبنای تربیتی است. منش الهی حضرت فاطمه به فرزندان ایشان منتقل شده و اهل بیت علیهم السلام این سیره را گزارش کرده و در رفتار خود داشتند.

# حیاء، در آینه خطبه فدکیه

در کلام حضرت آیت الله کریمی جهرمی

خطبه فدکیه سرشار از رمز و رازهایی در مسیر زیست مؤمنانه است. رازهایی که از ساعاتی قبل از ایراد خطبه فدکیه شروع می شود و تا پایان خطبه فدکیه در کلام و حالات دخت گرامی رسول خدا ادامه می یابد. انسان جویای معرفت با نگاهی تربیت محور درمی یابد، خطبه فدکیه ظرفیت الگوگیری از سیره و رفتار حضرت زهرا (علیها السلام)، با موضوع حیاء و زیست مؤمنانه زن مسلمان شیعی را دارد. برای پرداختن به موضوع حیاء فاطمی، سؤالاتی را با استفاده از بیانات حضرت آیت الله کریمی جهرمی پاسخ می دهیم.



۲۵

نشریه محراب  
شماره ششم

چیزی که از منظر اسلام بسیار اهمیت دارد و ایشان برای آنکه تمام بدن را از نگاه نامحرمان بپوشانند، چنین پوششی را انتخاب نمودند؛ تا مطمئن باشند که حتی مثلاً پشت پایشان هم در هنگام حرکت آشکار نمی‌شود. این یک هدف بسیار مقدس، الهی و آسمانی است. زمانی که ما ارزش حجاب را در نظر داشته باشیم و بدانیم که اعتبار زن و صیانت بانوان و حفاظت آن‌ها در گرو ستر، عفاف و پوشیده بودن آن‌هاست.

۲. احتمال دیگری که وجود دارد، این است که این اتفاق، رمزی از شدت حیای حضرت زهرا باشد. فاطمه طاهره علیها السلام در اوج حیا بودند. حیای انسان حتی در راه رفتنش کاملاً نمود پیدا می‌کند و یک نمودش این است که سر را متوجه پایین می‌کند؛ به این طرف به آن طرف توجه نمی‌کند، سر را به پایین می‌اندازد و به راه خود ادامه می‌دهد. سر که پایین آمد، طبیعی است که لباس انسان از جلو متمایل به پایین می‌شود، مخصوصاً جامه‌ای که خودش بلند است مثل جامه سراسری، حتماً رو به پایین می‌آید و به طور طبیعی زیر پا قرار خواهد گرفت. از این جهت می‌توان زیر پا رفتن لباس را زائیده حیای بسیار بالای حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام دانست.

#### علت همراهی حضرت برای ورود به مسجد توسط خانم‌هایی محترمه چه بود؟

مطلب دیگر این است که وقتی ایشان به همراه آن زنان بزرگوار از آل‌هاشم، وارد مسجد شدند، «فَنِيَطَتْ دُونَهَا مَلَأَةٌ؛ برایشان پرده‌ای آویخته

### آنچه مسلم است، این رفتار حضرت زهرا علیها السلام راز و رمزی الهی، معنوی و اخلاقی دارد و آشکارترین وجهی که می‌توان برداشت نمود، رعایت امر حجاب است

#### آیا حضرت زهرا علیها السلام با جامه بلند وارد مسجد شدند؟

یکی از نکاتی که باید در مقدمه خطبه فدک بحث شود، توصیفی است که از وضعیت ورود حضرت فاطمه زهرا به مسجد روایت شده است. باید دید مقصود از «تَطَأُ ذَيْلَهَا» چیست؟ و چرا جامه‌شان این اندازه بلند بوده که زیر پای مبارکشان برود و نتوانند درست به راه رفتن خود ادامه بدهند؟ از یک جهت ممکن است به ذهن بیاید که زیاد بلند بودن لباس مطلوب نیست؛ چون گاهی تکبرآفرین است و لذا در نظر اسلام اگر مذمت نشده باشد که شده، اقلاً مطلوب نیست و علاوه بر این‌ها نوعی از اسراف به شمار می‌رود؛ چرا که به هر حال، از بین می‌رود. آیا ممکن است زهرای طاهره که مقید به عدم اسراف و امثال آن بودند، جامه‌شان این قدر بلند باشد که به خاک کشیده شود؟ اینجاست که باید این حرکت ایشان رمزگشایی شود.

۱. آنچه مسلم است، این رفتار حضرت زهرا علیها السلام راز و رمزی الهی، معنوی و اخلاقی دارد و آشکارترین وجهی که می‌توان برداشت نمود، رعایت امر حجاب است؛





اما احتمال قوی‌تری اینکه  
 هاشمیات، آن زنان محترمه،  
 از نزدیکان حضرت زهرا علیها السلام و  
 علاقه‌مندان و خدمه‌ایشان،  
 خودشان اقدام کردند و پرده‌ای  
 را آویختند تا فاطمه زهرا از تمام  
 جهات، آن وضعیتی که خودشان  
 می‌خواهند و آن وضع مطلوب که  
 «ستر» باشد و اصلاً در معرض دید  
 نامحرم نباشند، به وجود بیاید و  
 حضرت زهرا علیها السلام مرضیه شروع  
 به سخن کنند

شد؛ «خب این هم از مظاهر حیا و عفت است. اول باید از خود پرسید: «این زنان پاک و بزرگوار از خاندان آل‌هاشم چرا همراه حضرت زهرا آمدند؟ آیا خود حضرت از آن‌ها خواستند؟»

۱. بعید است! آنچه به ذهن می‌آید این است که این خانم‌های محترمه، چون دانستند که حضرت زهرا به‌سوی مجلس ابابکر می‌رود و آنجا جماعتی از مردان هستند، برای احتشام و احترام فاطمه، دختر پیغمبر، داوطلبانه اطراف زهرا را گرفتند و با شدت احترام حضرت زهرا را به مسجد بردند.

۲. احتمال دوم، عبارت از این است که همه، مخصوصاً این خانم‌های محترمه، می‌دانستند که این برنامه با خطراتی همراه است و این احساس خطر، بجا بود؛ چرا که زمینه‌اش مساعد بود. دیده بودند که عامل حضرت فاطمه را از فدک بیرون کردند، و این واهمه وجود داشت که آن حضرت از طرف اشرار، سُفلگان، بی‌خبران و فریب‌خوردگان، از طرف کسانی که دانسته و ندانسته طرف‌داری می‌کنند، مورد هجمه قرار بگیرند و به محضر ایشان، سوءادبی صورت بگیرد.

### چرا و چه کسانی پرده را در مسجد آویختند؟

اما اینکه پرده آویخته شد، سؤال اینجاست: «که چه کسی؟ آیا مسجدی‌ها و مردم برخاستند و پرده را انداختند؟»

۱. احتمال اول این است که، مسجدی‌ها و مردم برخاستند و پرده را انداختند، چون می‌دانستند که دختر رسول‌الله در اوج اعلای حیا و عفاف است و در مجلس نامحرم آرامش ندارد.



# یا فاطمه زهرا! یا زینب! یا قمر! یا سیم! یا رسول الله!

دارد که آن هم بحث جداگانه‌ای می‌طلبد، ولی اصل قضیه ناله‌ای بود که از دل فاطمه بلند شد. این برای چه بود؟

۱. یک احتمال این است که ایشان، چون یاد روزگار گذشته کرد، دوران نورانی پدر بزرگوارش برایش تداعی شد، و این فکر از ذهنشان گذشت که: «این منبر و این محراب مال پدر من بود؟ رسول الله سالیانی در این محراب نماز خواند؟ بر این منبر بالا رفت و موعظه کرد.» این صحنه را که مشاهده کرد، نتوانست طاقت بیاورد، این چنین ناله‌ای را بی تابانه از دل برآورد و در فراق پدر عزیزش، پیامبر بزرگوار، این طور اظهار تأثر و تأسف و تحسّر کرد.

۲. احتمال دیگر اینکه یک‌باره به ذهنشان آمد: «این مردم با من که دختر رسول الله بودم چه کردند؟ چقدر ظلم؟ چقدر اجحاف؟ چقدر سوءادب و هتاک‌ی و بی‌حرمتی؟»

۳. وجه سوم برای ناله ایشان، این بود که می‌دیدند احکام خدا تحریف می‌شود و دین خدا چهره‌اش مُشوه می‌شود، توجه به واجبات و محرمات الهی از میان جامعه رخت بر بسته و خلاصه اینکه زحمات رسول الله نادیده گرفته شده است؛ لذا بر این غصه و به خاطر اسلام و حمایت از دین، این ناله جان‌سوز را از دل برآوردند.

۲. اما احتمال قوی‌تری اینکه هاشمیات، آن زنان محترمه، از نزدیکان حضرت زهرا علیها السلام و علاقه‌مندان و خدمه ایشان، خودشان اقدام کردند و پرده‌ای را آویختند تا فاطمه زهرا از تمام جهات، آن وضعیتی که خودشان می‌خواهند و آن وضع مطلوب که «ستر» باشد و اصلاً و ابداً در معرض دید نامحرم نباشند، به وجود بیاید و حضرت زهرا علیها السلام مرضیه علیها السلام شروع به سخن کنند.

## گریه فاطمه زهرا علیها السلام در مسجد برای چه بود؟

بالاخره فاطمه زهرا علیها السلام نشستند؛ تا نشستند ناگهان از اعماق قلبشان یک ناله جان‌سوز برآوردند. این داغ‌دیده، این پدر ازدست‌داده، این مظلومه، این مقهوره، این کسی که رعایت حرمتش را نکردند بعد از وفات رسول الله، چنان ناله‌ای زد که تمام کسانی که آنجا بودند همه به گریه افتادند و صدای گریه و زاری فضای مجلس را پر کرد؛ لذا حضرت زهرا علیها السلام طاهره ناچار شد که سکوت بکند تا این‌ها آرام بشوند. بعد شروع کردند به سخن و همان‌طوری که اشاره کردیم، فقط حمد خدا کردند و ثنای پروردگار و صلوات بر رسول الله که ناگهان دوباره این مردم شروع به گریه و زاری کردند.

یک بحثی اینجاست راجع به اینکه گریه فاطمه اصلاً برای چه بود؟ گریه دوم فقط رجوع به مردم







زیارت‌نامه حضرت  
زهره علیها السلام و تربیت  
فردی و اجتماعی  
در گفت‌وگو با استاد  
محمد صادق کفیل

# مسیر تربیت از امتحان تا تصدیق

به کوشش: مهدی منتظری

جهت الگوگیری و بهره‌مندی از شیوه تربیتی در زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام می‌بایست به منابع امین و قابل استناد رجوع کرد. یکی از بهترین و موثق‌ترین منابع از نظر سندی و رجالی زیارت‌نامه دخت پیامبر گرامی اسلام است که در بین علما و بزرگان دین قابل اعتماد و اعتناست. بر این اساس نشریه محراب با موضوع برداشت‌های تربیتی از زیارت‌نامه حضرت زهرا علیها السلام گفت‌وگویی کاربردی را با استاد گرامی حجت الاسلام والمسلمین محمد صادق کفیل انجام داده است که تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

۲۹

نشریه محراب  
شماره ششم



دربارهٔ این بانو خطاب می‌کنیم: «ای امتحان شده!»  
 امتحان‌گیرنده کیست؟ خداست، یعنی حضرت حق  
 برای اعطای درجات از صدیقۀ اطهر هم امتحان  
 می‌گیرد. نکته‌ای که می‌شود اشاره کرد این است  
 که در نظام تربیتی عالم به هیچ‌کس مفت و مجانی  
 چیزی نمی‌دهند. در نظام هستی به هرکسی  
 بخواهد عنایتی بشود یک مقدماتی باید طی کند.

**یعنی حتی به دختر رسول خدا هم که طبق  
 زیارت‌نامه از قبل امتحان خود را داده است  
 پاداشی داده نمی‌شود؟**

بله، ما رسماً در روایات و احادیث داریم که نبی  
 خاتم صلی الله علیه و آله به وجود نورانی صدیقۀ اطهر فرمودند:  
 «اعمل یا فاطمة؛ فاطمه جان اهل تلاش شو.»،  
 اهل حرکت شو، «فانی لا اغنی عنک من الله شیئاً؛  
 به تعبیری یعنی: من نمی‌توانم برایت کاری انجام  
 بدهم.» در دعای ندبه هم ما داریم که وقتی

**آیا زیارت‌نامهٔ حضرت زهرا علیها السلام برای اهل  
 تحقیق قابل اعتماد و استناد است؟**

متن زیارت از وجود نورانی امام جواد علیه السلام صادر  
 شده است که ما در دو منبع معتبرمان یعنی،  
 کتاب «تهذیب» شیخ طوسی که از کتب اربعه  
 است و در مزار شیخ مفید متن زیارت را داریم و  
 متن زیارت متن معتبری ست که مورد عنایت و  
 توجه بوده است. نکته بعد اینکه برخی از اهل علم  
 و معنا این زیارت‌نامه را بعد از نماز عصر یا یکی از  
 نمازهای واجبشان می‌خوانند. زیرا این زیارت‌نامه  
 حرکت دهنده است.

**مطلب بعدی نکات تربیتی و کاربردی  
 زیارت‌نامه است، به نظر شما اولین نکته  
 کدام است؟**

در زیارت‌نامه وصفی با واژه «یا ممتحنه» برای  
 حضرت زهرا علیها السلام آمده است. به عنوان اولین نکته

## انسان به طور طبیعی یک پیوند توحیدی با حضرت حق دارد، اما این پیوند در بلا و گرفتاری هاست که قابل تحلیل است

از یک ذره! ذره چي هست که مثقالش چه باشد! خدا توی بحث عمل و حرکت «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» می گوید و باز خدا می گوید فقط میل به بهشت فایده ندارد، من دوست دارم بهشت بروم، من دوست دارم هم نشین پیامبر بشوم، ولی «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا»<sup>۲</sup> یعنی فقط اراده آخرت فایده ندارد، بلکه «سَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا»، این ها همه اش توی ممتحنه است. توی ممتحنه می خواهد بگوید باید عمل گرا بود، باید اهل تلاش بود، باید اهل حرکت بود، باید پرجار بود.

### امتحانی که از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام گرفته شد چه بود؟

انسان به طور طبیعی یک پیوند توحیدی با حضرت حق دارد، اما این پیوند در بلا و گرفتاری هاست که قابل تحلیل است. «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ»<sup>۴</sup> انسان وقتی نعمت به او می دهیم با وقتی دچار بلا و گرفتاری می شود حال و عملکردش چه تفاوتی دارد؟ در زیارت نامه عبارت «یا ممتحنه» می گوید ما از حضرت صدیقه اطهر که فرد سوم عالم هستی ست، سنگین ترین امتحان ها را گرفتیم. یک محور این امتحان این بود که متوجه باشیم بعد از رحلت نبی خاتم صلی الله علیه و آله از حیث جسمی و شخصیتی چه

می خواهند مقاماتی را بیان کنند به اهل بیت می گویند: «بَعْدَ أَنْ شَرَطَتْ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ» رسماً آمده با این ها شرط زهد شد: «فَشَرُّطُوا لَكَ ذَلِكَ»، و این ها شرط را پذیرفتند: «وَعَلِمَتْ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ». خداوند متعال دانست که این ها به این شرط عمل می کنند، وفا می کنند بعد مقامات را به آن ها داد. یعنی خداوند متعال اول امتحان می گیرد، اول شرط می کند بعد به این یقین می رسد که این ها انجام دهنده اند: «فَقَبِلَتْهُمْ وَفَرَّغَتْهُمْ».

### این شرط و وفا به شرط برای همه انسان ها، حتی پیامبران، وجود دارد؟

در زیارات و ادعیه و روایات متعددی داریم در عالم به هرکسی بخواهند هرچیزی بدهند اول یک امتحان می گیرند، گام اول را خود شخص باید بردارد. خداوند متعال در وصف حضرت آدم علیه السلام می فرماید: «وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً»<sup>۱</sup> یعنی با همه عظمت حضرت آدم او را اولوالعزم نکردیم، یعنی برای اولوالعزم کردن حساب و کتاب هست. یا در مورد حضرت یونس خداوند متعال می فرماید: «فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ\* لَلَبْتُ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ؛ اگر استغفار نمی کرد، اگر توبه نمی کرد تا قیامت توی دهان نهنگ باقی می ماند»<sup>۲</sup>.  
قرآن «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» را می گوید، مثقالی





کردند با صدیقه اطهر؟ جامعه مسلمین فاصله می گیرند از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فاصله می گیرند از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بدتر از همه حضرت زهرا (علیها السلام) را در آن وضعیت یاری نمی کنند. آدم با وجود این وضعیت چه کار می کند؟ چه جور برخورد می کند؟ این جسمم، این وجودم، این جامعه مسلمین، این یاری نکردن، این جا آدم گله مند نمی شود؟ با خدا فاصله نمی گیرد؟ به خدا گله نمی کند؟ شکوه نمی کند؟ اما فاطمه اطهر این گونه نبود.

### یعنی عملکرد حضرت چگونه بود که می تواند برای ما هم درس تربیتی داشته باشد؟

در زیارت نامه می خوانیم: «فَوَجَدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً» خدا در همه این امتحانات تو را صابر یافت. این مقامی است که خداوند متعال در مورد اهل بیت بیان می کند: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لِمَا صَبَرُوا»<sup>۵</sup> یعنی وقتی کسی صبر می کند، حتی تا امامت پیش می رود.

«فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَرْشِ مِنَ الرُّسُلِ» یعنی انسان اولوالعزم، انسان صاحب عزم، صبر می کند. این صبر یک صفت جامع است، یعنی اگر ما می خواهیم گامی برداریم باید یاد بگیریم در همه بلاها، گرفتاری ها، سختی ها و مشکلات صبر در زندگی داشته باشیم. ظاهراً حدود هفتاد بار واژه صبر در قرآن آمده است، همه چیز با صبر گره خورده؛ به ما هم یاد دادند توی اوج زیارت عاشورا بگوییم: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ»؛ در اوج مصیبت انسان به مقام صبر و شکر می رسد.

قرآن می گوید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ»<sup>۶</sup>؛ یعنی همه انبیا قومشان دچار سختی و گرفتاری، حالا چه باسء چه ضراء، چه به تعبیری مثل همین زلزله و حوادثی که رخ می دهد، گرفتاری های جانی و چه ضرا که گرفتاری های مالی می شود، همه این ها رخ می دهد به یک دلیل، به دلیل این تضرع و ارتباط با خدا. یعنی اصلاً گرفتاری یعنی پیوند با خدا، بلا یعنی پیوند با خدا. ما باید این برایمان حل بشود که هر امتحانی، هر بلایی، مصیبتی، گرفتاری ای، مریضی و سختی ای آمد این «یا الله» باید بیشتر بشود، این توحید باید بیشتر بشود. این مقام صبر و شکر باید جلوه کند در وجود انسان.

### می توانیم بگوییم مقام حضرت فقط به خاطر دختر رسول خدا بودن نیست؟

حقیقت امر همین است. ابتدای این زیارت نامه می خواهد یک شبهه مهم را از ذهن ها دور کند و آن این است که: مقام حضرت زهرا فقط به خاطر دختر نبی خاتم یا همسر امیرالمؤمنین بودن و این ها نیست، خود فاطمه زهرا زحمت کشیدند، خودشان قدم برداشتند، خودشان عبادت کردند، خودشان تلاش کردند و خودشان را وقف امام زمانشان کردند. یعنی با همه وجود یار امامشان شدند و من گاهی می گویم این هشت مقامی که در دعای عهد آمده: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ وَالْمَحَامِينَ وَالسَّابِقِينَ وَالْمَمْتَلِينَ...» تا «والمستشهدين» این چند مقام جلوه عملی اش حضرت زهرا (علیها السلام) بود. یعنی دیگر واقعاً از این

## وقتی انسان بخواهد وقف امامش بشود، برای امامش قدم بردارد، امتحانات سنگینی هم توی مسیر با اوست، مشکلات هم با اوست او در هر حال مدیون امامش است

### یعنی دقیقاً راهکار «وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ» برای تربیت فرد و جامعه چیست؟

می‌گوییم قمر بنی‌هاشم آقای وفاست، وفا در لغت عرب یعنی با تمام وجود قدم برداشتن و خود را نسبت به ولی بدهکار دانستن. یعنی حضرت ابوالفضل نسبت به امام حسین احساس کم‌کاری می‌کردند، حضرت زهرا نسبت به امیرالمؤمنین احساس کم‌کاری می‌کردند، نه اینکه علی برای من چه کرد؟ بلکه من برای او چه کردم؟ این اولیائی که می‌گوییم در اصل یک صفت را می‌خواهیم بگوییم. وقتی انسان بخواهد وقف امامش بشود، برای امامش قدم بردارد، امتحانات سنگینی هم توی مسیر با اوست، مشکلات هم با اوست. او در هر حال مدیون امامش است.

### باید به چه مقامی برسیم و در چه مسیری گام برداریم که خودمان را بدهکار ولی خدا بدانیم؟

سؤال خوبی مطرح کردید؛ در فرازی از زیارت‌نامه حضرت داریم: «وَصَافِرُونَ لَكَ مَا آتَانَا

سخت‌تر نمی‌شود که آدم در اوج بیماری، گرفتاری، سختی، از دست دادن پدر و مصیبت‌های درون کوچه باز بیاید در خانه انصار و مهاجر برای امام زمانش قدم بردارد، این‌ها همه‌اش امتحان‌های توحیدی است.

### اینکه در زیارت‌نامه می‌خوانیم: «وَزَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ» معنایش چیست؟ مگر می‌شود من برای آن وجود طاهر و پاک ولی باشم؟

گمان اولیه از این عبارت این است که من ولیّ ایشانم، اما واژه ولیّ در لغت یعنی: «الأصل فی الولاية القرب.»

ابن فارس توی «مقایس اللغة» می‌گوید اصل در معنای ولیّ قرب است. علامه طباطبایی در «المیزان» می‌گوید وقتی می‌گوییم فلانی ولیّ من است یعنی بین تو و او هیچ حائلی نیست، یعنی او نزدیک‌ترین به توست. وقتی من در زیارت‌نامه می‌گوییم گمانم این است که بین من و شما جایگاه ولایت است، یعنی به تعبیری اوج پیوند، اوج ارتباط، نزدیک‌ترین ارتباط مقام ولایت است. یعنی من دارم به صدیقۀ اطهر می‌گویم شما ممتحنه هستید، صابر در امتحانید، من هم احساس می‌کنم نزدیک‌ترین به شما هستم و بین من و شما هیچ حائلی نیست. وقتی به کسی می‌گوییم من با تو انس دارم، یعنی همان صفتی که تو داری، «زعمنّا»، سعی‌ام این است، تلاشم این است من هم آن صفت را توی وجود خودم جلوه بدهم. «زعمنّا» در اصل دارد می‌گوید باید همه حرکت ما توی نظام زندگی فاطمی باشد و برای تربیت جامعه منتظر باید فاطمیه احیا و تبیین بشود.







## عبارت «اتی به ابوک و اتی به وصیه» آنچه [برای] پیامبر آورده با آنچه [برای] امیرالمؤمنین آورده فرقی نمی‌کند. یعنی مطیع نبی، مطیع امیرالمؤمنین است، مطیع امیرالمؤمنین، مطیع پیامبر است

کل ما اتانا، [حالا] وقتی این‌ها را عرض کردیم بیان حاجت می‌کنیم: «فانا نسئلك ان کُنَّا صَدُقْنَاکِ». ما همگی می‌خواهیم که اگر واقعاً به مقام تصدیق رسیدیم با این تصدیقمان ملحق بشویم به این دو نور بزرگوار، پیامبر و امیرالمؤمنین. یعنی عملاً اینکه کأنّ یک بشارتی دارد به آدم می‌دهد، عملاً من اگر واقعاً با جان و دل امر امام را اطاعت کردم با امامم، به مقداری که پیوندش با امام بیشتر باشد، توی دنیا هم نشینی‌اش با امام بیشتر است توی آن دنیا. و باز بعضی‌ها شاید این سؤال را مطرح کنند: «فیها ما تَشْتَهيه الأَنْفُسُ»<sup>۹</sup> آنجا بهشتی ست که هرچی بخواهد به او می‌دهند، استادی قشنگ فرمودند یک موقع ما توی بهشت حوری می‌خواهیم، غلمان می‌خواهیم، یعنی دهان باز نمی‌کنیم خود امام را بخواهیم، خود خدا را می‌خواهیم، این زیارت‌نامه انصافاً خیلی قشنگ می‌گوید، می‌گوید ما ملحق بشویم به خاطر این جایگاه، تصدیقمان با خود امام و به تعبیری وقتی این اتفاق افتاد این یک بشارتی برای خودمان هم هست که «أَنَا قَدْ طَهَّرْنَا بَوْلَانِیکَ»، یعنی اصلاً ما به جایی رسیدیم، ما طاهر شدیم، پاک شدیم و رشد پیدا کردیم. یعنی چقدر زیباست که انسان توی محشر به امیرالمؤمنین بگوید: «به صدیقۀ اطهر بگوید به نبی خاتم بگوید، من اگر جایی پیدا کردم در این

نظام زندگی، مأمومان، برای آن کسی که جماعت می‌کنیم، با آن آدم‌هایی که در ارتباطیم باید آن‌ها را ببریم به سوی اینکه با جان و دل بپذیرند، بپذیرند که: «سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ». خب من هم مصدق باشم، این را واقعاً باز به دنبالش می‌گوید: «و الصابرون»، یعنی اگر صدیقۀ اطهر صبر داشتند، اگر اهل بیت هم صبر داشتند من هم این صبر را داشته باشم، فقط نگویم حسینی‌ام، اهل بیته‌ام، [بلکه] باید در مسیر اصلاح خودم، خانواده، اطرافیانم و جامعه گام بردارم. جالب است در عبارت «اتی به ابوک و اتی به وصیه» آنچه [برای] پیامبر آورده با آنچه [برای] امیرالمؤمنین آورده فرقی نمی‌کند. یعنی مطیع نبی، مطیع امیرالمؤمنین است، مطیع امیرالمؤمنین، مطیع پیامبر است و دقیقاً توی زیارت‌نامه امام جواد (علیه السلام) هر دو را دقیقاً در کنار هم قرار دادند، تا بگویند مسلمان کسی است که تسلیم امیرالمؤمنین و پیامبر باشد و هر دو را به خوبی بپذیرد.

**و سؤال آخر: بهترین درخواست و دعایی که می‌توانیم از حضرت داشته باشیم چیست؟**

ما به صدیقۀ اطهر عرض می‌کنیم که ما با شما دوستیم و پیوند داریم، ما هم صابر و مصدقیم به



اَئمه هستند، قلب مؤمن را نورانی می‌کنند و کسی که این نور را ندارد تاریک است.» بعد امام می‌گویند: «کسی که ما را دوست بدارد، ولایت ما را بپذیرد، این [شخص] از عذاب قیامت ایمن است.»

پی‌نوشت:

۱. سوره طه، آیه ۱۱۵
۲. سوره الصافات، آیات ۱۴۳ و ۱۴۴
۳. سوره اسراء، آیه ۱۹
۴. سوره فجر، آیه ۱۵
۵. سوره سجده، آیه ۲۴
۶. سوره احقاف، آیه ۳۵
۷. سوره اعراف، آیه ۹۴
۸. سوره نساء، آیه ۶۹
۹. سوره زخرف، آیه ۷۱
۱۰. سوره تغابن، آیه ۸

دنیا، به تولا و ولایت شماسست.» در اصل دارند افق زندگی را مطرح می‌کنند، افق تربیت، از یک بچه‌ای که دارد به تعبیری مدرسه می‌رود تا بزرگ‌تر، تا خودمان، تا جامعه‌مان، تا مأمومان توی مسجد، تا آدم‌هایی که با آن‌ها ارتباط داریم بدانیم افق یعنی به امام رسیدن و زندگی یعنی حرکت به سوی امام. اثرش چیست؟ این اثر باید جا بیفتد «قَدْ طَهُرْنَا بِوَلَايَتِكَ». ما همه چیزمان توی تولا به خاطر ولایت است و ولایت، امام است. اباخالد کابلی؛ از امام باقر علیه السلام سؤال می‌کند: «این آیه یعنی چه؟ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» این را کامل امام آنجا ذکر می‌کند، روایت پانصد و دهم است در [کتاب] «کافی» جلد یک، امام آنجا می‌گویند: «نور



# خانواده و تجربه بهشت

حدیث شریف کساء  
و تربیت در بستر خانواده

حجت الاسلام والمسلمین علی سرلک | استاد حوزه و دانشگاه



نشریه محراب  
شماره ششم

## مودت و رحمت، هم پیشه پیامبر عظیم الشان است که او اساساً اجر رسالتش مودت است و هم اینکه روش آن بزرگوار است که رحمه للعالمین باشد

خانواده از نظر قرآن همیشه کانون مودت و رحمت است: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»<sup>۱</sup> مودت و رحمت، هم پیشه پیامبر عظیم الشان است که او اساساً اجر رسالتش مودت است و هم اینکه روش آن بزرگوار است که رحمه للعالمین باشد. پس ما اگر بخواهیم به عنوان یک خانواده تراز، یک خانواده الگو برای اینکه خانواده‌های خودمان در هر موقعیت متفاوتی که هستند به ظرفیت‌های وجودی و روبه‌رشدی که در این ظرفیت پیش‌بینی شده برسند، بهترین کار اقتباس از نوع خانواده‌ورزی‌ای است که در خاندان پیامبر اتفاق می‌افتاده است. حدیث شریف کسا که یک برش تاریخی است، دارای جنبه‌های معرفتی و سلوکی است، که می‌تواند مقیاس برای اصطیاد<sup>۲</sup> ارکان و اصولی باشد که یک خانواده تراز و متعالی را در شرایط فعلی تجربه کنیم. نکات زیر برگرفته از حدیث شرف کسا و نقشه‌ای جهت کسب رضامندی و عافیت در زندگی است.

■ ۱. جایگاه قدسی خانواده رسول گرامی اسلام غیرقابل تصور است و شأن معنوی و الهی‌شان واقعاً به فراچنگ هیچ‌کس نمی‌آید، اما بنا به توصیه و

تأکید قرآن، پیامبر الگوی ما هستند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»<sup>۳</sup> معنایش این است که اگرچه آن‌ها ظرف بیکران و وجودشان را از زلال حقایق توحیدی در ملازمت و مناسبات خانوادگی پر کرده‌اند؛ اما به هر حال ما هم ظرف کوچک خودمان را باید از همان حقایق پر کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «لاتقدرون علی ذلک؛ شما نمی‌توانید به آن مرتبه‌هایی که ما هستیم برسید.» اما «ولکن اعینونی؛ اما کمک کنید ما را.» تا شما هم به ورع و اجتهاد و عفت و سداد که همه این‌ها قابل تطبیق بر محیط خانواده است، برسید. ■ ۲. در حدیث شریف کسا چند اصل مشعشع را می‌توانیم موردتوجه قرار دهیم. یک، بحث خطاب‌آوری یا نام‌آوری دل‌نشینی است که بین اعضای خانواده وجود دارد. امام حسن و امام حسین، امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله، این‌ها چگونه همدیگر را صدا می‌زدند، چگونه حضرت مرضیه را صدا می‌زدند و حضرت مرضیه چگونه پاسخ می‌داد؟ پیامبر می‌فرمود: «یا قره عینی»، «یا ثمره فؤادی». نوع خطاب‌آوری دل‌نشین در خانواده. یعنی یک خانواده موفق، یک خانواده تراز، خانواده‌ای است که به این خطاب‌ها و به مورد اشاره قرار دادن‌های همدیگر توجه ویژه‌ای دارد و در استفاده از تعابیر مهرورزانه و عاشقانه حتماً و حتماً دقت می‌کند. اینکه در خانواده‌ها گاهی فرزندان، پدر و مادرشان را، یا پدر و مادر نسبت به فرزندان‌شان تعابیر معمولی و دم‌دستی و گاهی خدایی نکرده همدیگر را با تعابیر بد صدا می‌زنند و به دستور قرآنی: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»<sup>۴</sup> خواسته یا ناخواسته توجهی ندارند. حدیث شریف کسا،





جایگاه قدسی خانواده رسول گرامی اسلام غیر قابل تصور است  
و شأن معنوی و الهی شان واقعاً به فراچنگ هیچ کس نمی آید،  
اما بنا به توصیه و تأکید قرآن، پیامبر الگوی ما هستند



بحث خطاب‌آوری است، خطاب‌آوری دل‌نشین یعنی در واقع تعابیری که به کار می‌بریم برای صدا زدن همدیگر در خانواده باید محترمانه، کریمانه، مهرورزانه و عاطفی باشد. خیلی روشن است این تعابیر، خطاب‌اتش در سیره‌ای که اهل بیت نسبت به هم دیگر داشتند خیلی چشم‌گیر و دل‌نواز است. بهترین شاهد این بخش از کلام، نحوه صدا زدن اهل بیت علیهم‌السلام در حدیث شریف کساست. حضرت زهرا علیها‌السلام از کلمات «یا ولدی» و «یا قُرَّةَ عینی وَ ثَمَرَةَ فُؤادی» استفاده کرده‌اند. در جای دیگر حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام خطاب به همسرشان این چنین می‌فرماید: «رُوحِی لِرُوحِکَ الْفِدَاءِ وَ نَفْسِی لِنَفْسِکَ الْوَفَاءِ یا اَبَا الْحَسَنِ اِنَّ کُنْتَ فی خَیْرٍ کُنْتَ مَعَكَ و اِنْ کُنْتَ فی شَرٍّ کُنْتَ مَعَكَ؛ روحم فدای تو و جانم سپر

بلای تو، ای اباالحسن، اگر تو در خیری باشی من با تو هستم و اگر در شَرِّی (مصیبتی) باشی من با تو هستم.»<sup>۵</sup>

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد فرزندان فرمود: «یکی از حقوق فرزند بر پدر این است که نام نیک و زیبا برای او انتخاب کند.»<sup>۶</sup>

■ ۳. نکته دیگر در حدیث شریف کسا موضوع رعایت حرمت بزرگ‌تر و کوچک‌تر و سلسله‌مراتب است. در این حدیث سلسله‌مراتب و جایگاه آدم‌ها، پیامبر، فرزند و جایگاه همسر روشن است. این سلسله‌مراتب در مناسباتی که بین حضرت مرضیه علیها‌السلام و بقیه اعضای خانواده وجود دارد، به‌صورتی که اجازه می‌گیرند و اذن ملحق شدن می‌خواهند، این حرمتی که برای بزرگ‌تر در



## اعضای یک خانواده موفق بنا بر

## اتفاقی که در حدیث شریف کسا

## بیان شده، نسبت به همدیگر

## غم خوار و نگرانند.

## وقتی پیامبر ﷺ اظهار می‌کنند:

## «إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضِعْفًا» بلافاصله

## واکنش عاطفی و احساسی حضرت

## زهرای علیها السلام را در پی دارند

■ ۵. یک خانواده متعالی به جنبه‌های معنایی و معنوی حساس و ملتفت است. وقتی این اجتماع پنج نفره نورانی شکل می‌گیرد، پرسش این است که «حالا فضیلت و جنبه‌های ملکوتی این اجتماع چیست؟» چرا که اغلب به جنبه‌های معنوی این مسئله، به آن جایگاه قدسی این اجتماع پنج نفره به حسب ظاهر ساده توجه می‌شود. در روایات فراوان داریم که مثلاً فرض کنید خدای متعال برای یک نگاه ساده و از سر مهر زن و شوهر نسبت به همدیگر چه مراتبی از معنویت و قدسیت قائل است، یا حرمتی که فرزندان برای پدر و مادر قائلند چه جنبه‌های قدسی‌ای دارد که امروزه توجه بیش از حد به امور مادی و عادی زندگی جنبه‌های معنوی و قدسی آن را تحت الشعاع قرار داده است. نباید خدایی نکرده بعضی‌ها را از این طرف به صرفاً جنبه‌های مادی متمرکز کند و انکار کند که مثلاً یک احوالپرسی یک خطاب‌آوری دل‌نشین، یک غصه‌دار شدن، هیچ جنبه معنوی‌ای ندارد و صرفاً زندگی را مادی محور ببینند و یا بعضی‌ها از آن طرف شروع کنند به فضیلت تراشی‌های افراطی. ما در بسیاری از اخبار و حیانی خود می‌خوانیم بسیاری از

خانواده پیامبر به چشم می‌خورد، به معنای قوام یک خانواده و اساس خوشبختی است. همین مسئله وقتی که انعکاس ملکوتی و عرشی پیدا می‌کند و این خانواده می‌خواهد برای اهالی آسمان معرفی بشود، با محوریت حضرت زهرا علیها السلام معرفی می‌شود. در یک خانواده متعالی، در یک خانواده موفق، محور و سلسله مراتب وجود دارد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِهِ كَالنَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ؛ پیرمرد در خاندانش همچون پیامبر در امتش است.»<sup>۶</sup> در روایت آمده است پیرمردی به حضور رسول خدا ﷺ شرفیاب شد. کسانی که در محضر آن حضرت بودند رعایت احترامش را ننمودند و در جا دادن گندی نشان دادند، پیغمبر اکرم ﷺ از این رفتار خلاف ادب، ناراحت شد و به آنان فرمود: «کسی که به خردسالان ما ترحم نکند و پیران ما را تکریم ننماید، از ما نیست.»<sup>۸</sup>

■ ۴. اعضای یک خانواده موفق بنا بر اتفاقی که در حدیث شریف کسا بیان شده، نسبت به همدیگر غم خوار و نگرانند. وقتی پیامبر ﷺ اظهار می‌کنند: «إِنِّي أَجِدُ فِي بَدَنِي ضِعْفًا» بلافاصله واکنش عاطفی و احساسی حضرت زهرا علیها السلام را در پی دارند. این‌ها در گرد هم هستند. دور هم هستند. مواظب هم هستند. همان اتفاقی که از سوره «هل أتى» آمده است، آنجا برای بیماری فرزندان، بقیه روزه می‌گیرند، نذر می‌کنند، غم خواری می‌کنند و نسبت به هم بی تفاوت نیستند. این خیلی نکته مهمی است، در واقع خلاصه مهرورزی و غم خواری و در کنار همدیگر بودن یک اصلی است که در خانواده‌های متعالی و خانواده‌های موفق باید رعایت بشود.

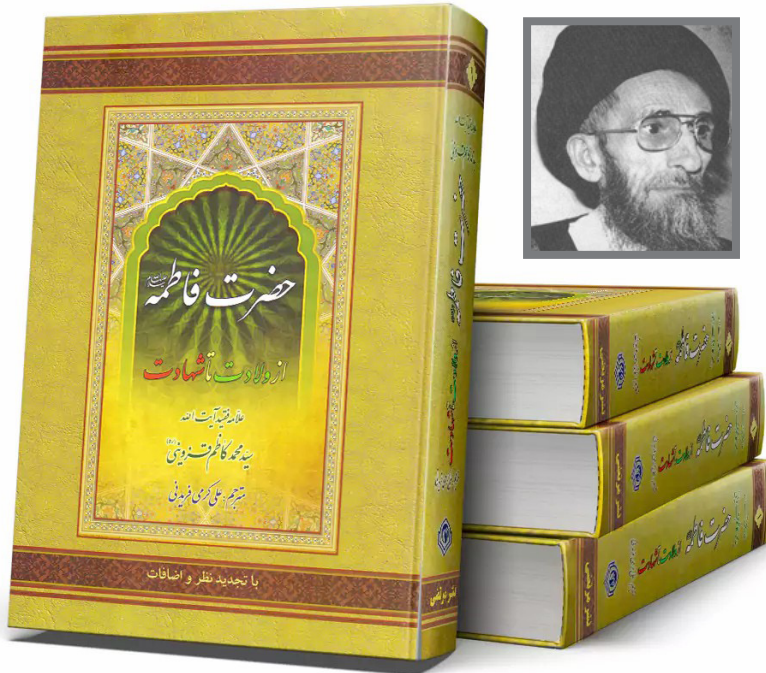
همدلی‌های درون خانوادگی از جنبه‌های معنوی، قدسی و نورانی برخوردار است. در حدیث شریف کسائی خوانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ما ذکر خبرنا هذا فی محفل من محافل أهل الأرض و فیه جمع من شیعتنا و محبینا و فیهم مهموم ألا و فرّج الله همّه و لا مغموم ألا و کشف الله غمّه و لا طالب حاجة ألا و قضی الله حاجته ...؛ ذکر نگردد این خبر در مجلسی از مجالس اهل زمین و در آن جمعی از پیروان و دوستان ما باشند و میان آن‌ها اندوهناکی باشد، مگر آنکه خداوند هم‌وغم او را برطرف سازد و نه غم‌زده‌ای مگر اینکه خداوند غم او را برطرف کند و نه طالب حاجتی مگر اینکه خداوند حاجت او را برآورده سازد.» طبق این حدیث شریف اگر اعضای خانواده بنشینند و با هم دست به دعا بردارند و به در خانه خدا بروند، خداوند متعال درهای لطف و رحمتش را بر آن خانواده باز می‌کند.

■ ۶. اگر یک خانواده نسبت به اصولی که اشاره شد خودش را برخوردار کند می‌تواند بهشت را در همین دنیا هم تجربه کند. اگرچه از احمد تا احد یک میم فرق است و جهانی اندر یک میم غرق است؛ اما معنایش به هیچ وجه این نیست که ما نتوانیم یا نشود از این خاندان الگوبرداری کنیم. همین نکاتی را که مرور کردیم کاملاً قابل تطبیق بر زندگی‌های مادی و عادی عصر نوین خودمان و دوران پسامدرن است. زندگی فاطمه زهرا علیها السلام الگویی است برای زیستن و زندگی کردن.

پی‌نوشت:

۱. سوره روم، آیه ۲۱
۲. صید و شکار کردن
۳. سوره احزاب، آیه ۲۱
۴. سوره حجرات، آیه ۱۱
۵. الکوکب الدزی، ج ۱، ص ۱۹۶
۶. بحار الأنوار
۷. بحار الأنوار: ۷۲ / ۱۳۷، باب ۵۲
۸. بحار الأنوار: ۷۲ / ۱۳۷، باب ۵۲





# کتاب «فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد»

اثر علامه سيد محمد کاظم قزوینی

علیرضا جمالی | فعال فرهنگی



۴۳

نشریه محراب  
شماره ششم





«فاطمه الزهرا من المهدالی الحد» باشد. علامه نیز در میان آثارش به این کتاب علاقه خاصی داشت، تا آنجا که وصیت کرد این کتاب را با او دفن کنند و جالب تر آنکه وقتی پس از هفده سال پیکر ایشان سالم از قبر بیرون آورده شد این کتاب نیز که بر سینه ایشان قرار داشت سالم باقی مانده بود. درحالی که نزدیک به محال است یک کتاب بعد از هفده سال زیر خاک سالم بماند و این نشانه عنایت صدیقۀ طاهره علیه السلام به این کتاب است.

### توصیف کتاب

نویسنده در کتاب «فاطمه الزهرا من المهدالی الحد» زندگانی حضرت زهرا علیه السلام را از تولد تا شهادت با نگاهی دقیق و تحلیلی به رشته تحریر درآورده است. این کتاب دارای ویژگی های زیر است:

۱. این کتاب تنها یک اثر تاریخی نیست، بلکه مجموعه ای کامل از مباحث کلامی درباره حضرت زهرا علیه السلام نیز در آن مطرح شده است. از این رو، کتاب می تواند مرجع مناسبی برای پاسخ به بسیاری از شبهات پیرامون زندگانی حضرت صدیقۀ طاهره علیه السلام باشد.

۲. علامه قزوینی حدود دویست صفحه از این اثر را به بررسی ماجرای فدک و مظلومیت آن حضرت اختصاص داده و احتجاجات حضرت زهرا علیه السلام را برای اثبات حقانیت خود در مواجهه با خلیفۀ اول با تفصیل ذکر کرده و مناظره های امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام را با خلیفۀ دوم به تفصیل آورده است.

۳. نویسنده خطبه زیبا و اعجاب انگیز

### زندگی نامه

علامه سید محمد کاظم قزوینی فقیه و خطیب شیعی در سال ۱۳۰۵ (ه.ش) در قزوین چشم به جهان گشود. وی مقدمات علمی را نزد پدرش آیت الله سید ابراهیم قزوینی گذراند و برای تکمیل سطوح عالی از استادان حوزه علمیۀ کربلا استفاده کرد. ایشان سخنوری توانا بود و با اینکه در منبر آرام و دل نشین سخن می گفت، قدرت عجیبی در پیام رسانی داشت و شنونده را مجذوب سخن خویش می ساخت. علامه قزوینی برای تبلیغ اسلام رنج سفرهای بی شماری را بر خود تحمیل کرد تا پیام اسلام و اهل بیت علیهم السلام را به جهانیان برساند. برای نمونه در مراکش به استناد یک روایت جعلی روز عاشورا را به طور رسمی جشن می گرفتند و صداها مجلس ازدواج به راه می انداختند. او با هجرت به این سرزمین و تلاش های علمی فراوان این سنت اموی را در مراکش ریشه کن کرد و مجلس وعظ و سوگواری سالار شهیدان را جایگزین آن نمود.

از علامه قزوینی تألیفات بی شماری به جا مانده است که شاید یکی از مهم ترین آن ها کتاب

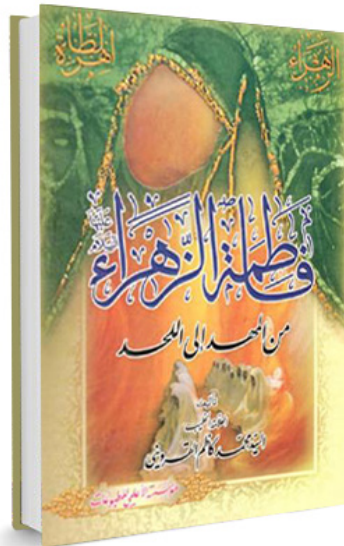
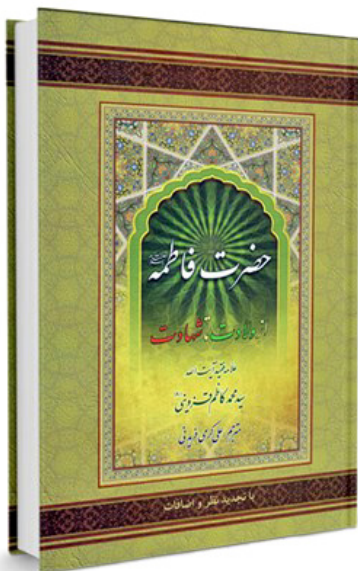
علامه قزوینی برای تبلیغ اسلام رنج  
سفرهای بی شماری را بر خود تحمیل  
کرد تا پیام اسلام و اهل بیت علیهم السلام را به  
جهانیان برساند



جهت دریافت کتاب،  
این کد را اسکن کنید

حضرت زهرا علیها السلام را به طور کامل آورده و بعد از ترجمه لفظی به تفسیر و تحلیل بندهای این خطبه پرداخته است. علامه قزوینی ضمن پرداخت به ماجرای فدک به این شبهه نیز پاسخ می دهد که چرا حضرت زهرا با آن همه زهد و بی میلی به دنیا این همه درباره فدک اصرار می کرده است. ایشان در پاسخ به این شبهه جواب های هفت گانه ای را بیان می کند که هر کدام نشان دهنده قدرت علمی و تسلط ایشان به تاریخ اسلام است.

■ ۴. این کتاب خط سیر مشخصی را در پیش دارد؛ اما در جای جای کتاب، بسیار بجا، به



حوادث دیگر تاریخ اسلام و شبهات دیگری که درباره اهل بیت علیهم السلام وجود دارد پاسخ می دهد. برای نمونه حضرت زهرا علیها السلام درباره حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بیان می دارند که اگر مردم به سوی او می آمدند و با او بیعت می کردند جامعه به سمت سعادت حرکت می کرد و درهای رحمت الهی به روی بندگان باز می شد. در اینجا این شبهه مطرح می شود که اگر جامعه بارهبری علی علیه السلام تبدیل به مدینه فاضله می شد، پس چرا این همه جنگ، نابسامانی و مشکلات اقتصادی و اجتماعی در زمان حکومت ایشان وجود داشت. علامه قزوینی در جواب به این پرسش می نویسد: «بی تردید جامعه اسلامی در زمان پیامبر گرامی تا آنجایی که به رهبری معنوی و مدیریت مترقی آن حضرت ارتباط داشت در همه ابعاد زندگی جامعه ای درست اندیش، درست روش و درست کردار بود. اما عناصر تاریک اندیش، نظارت ناپذیر و جریان انحصارگر و خودکامه ای پس از رحلت آن پیشوای آزادی به مدت ربع قرن بر امت مسلمان حکومت کرد و چنان تغییری در عقیده، رفتار و کردار جامعه پدید آوردند که گفتنی نیست. اگر به راستی با تعمق و انصاف به زندگی سردمدارانی که پس از رحلت پیامبر زمام امور جامعه را به کف گرفتند، نگاهی بیفکنیم خواهیم دید که در این دوره بیست و پنج ساله چه خودسری ها و چه حق کشی ها و زورمداری هایی به نام خدا و مذهب و چه حجم وحشتناکی از فرمان های ظالمانه و فتواهای دلخواه و

قوانین و مقررات ساختگی و مخالف با اسلام حقیقی از آنان صادر شده است. این فرمان ها و فتواها از تغییر وضو گرفته تا اذان از شمار رکعات نماز تا چگونگی آن از عمل عبادی حج گرفته تا جهاد و تشکیل خانواده و انحلال آن از مسائل اقتصادی و اجتماعی گرفته تا سیاسی و اداری... همه جا به طور دلخواه و با انگیزه جاه طلبانه و بهره برداری از مذهب صادر گردید، به گونه ای که اگر نگارنده بخواهد نمونه بیاورد سخن طولانی می شود.

■ ۵. از ویژگی های برجسته این کتاب مستند بودن آن است، نویسنده سعی کرده است از روایات معتبر نزد شیعه و سنی استفاده کند. همچنین درباره مسائل موردانکار اهل سنت از منابع خود آن ها مطالب را استنباط کرده است. برای نمونه ایشان در بیان داستان مجروح شدن حضرت زهرا علیها السلام و حمله متجاوزین به خانه آن حضرت و مصائبی که بر آن حضرت گذشت به کتاب های علمای اهل سنت استناد کرده است. علامه قزوینی این واقعه را از کتاب های «الامام علی بن ابی طالب»، «عقد الفرید»، «تاریخ ابوالفداء»، «اعلام النساء»، «الامامه والسیاسه»، «شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید» و... آورده است.

به نظر می رسد این اثر محققانه و ارزشمند یکی از جامع ترین کتاب های نوشته شده درباره زندگانی صدیقۀ طاهره علیها السلام است که مطالعه آن باعث آشنایی خواننده با حقایق پنهان زندگانی آن بانوی بزرگوار می شود.



## کتاب فاطمه‌ای دیگر باز تعریف نقش مادری در خانواده

جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



## کتاب زندگی به سبک فاطمه علیها السلام محتوای ده منبر مکتوب مجالس بانوان

جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



## کتاب بضعة الرسول / متن روضه‌های دهه اول و دوم فاطمیه برای اجرای مداحان اهل بیت علیهم السلام

جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



## روضه صبر علی علیه السلام در فراق فاطمه زهرا علیها السلام آیت الله علی احمدی میانجی

جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



۴۷

ذکر مصیبت حضرت زهرا علیها السلام  
حجت الاسلام سید حمید میرباقری  
جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



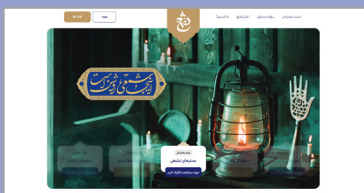
روضه شهادت حضرت زهرا علیها السلام  
آیت الله محمد تقی مصباح یزدی رحمته الله  
جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



روضه شهادت حضرت زهرا علیها السلام  
سخنرانی صوتی استاد مسعود عالی  
جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



روضه شهادت حضرت زهرا علیها السلام، وصایای حضرت و...  
آیت الله احمد مجتهدی تهرانی  
جهت دریافت، این کد را اسکن کنید



shabaketabligh.ir

شمع (شبکه مبلغان و عملیات های تبلیغی)



talabeyar.ir



در سرویس امام مسجد، به نیازهای هویتی و صنفی امام مسجد، مسائل مبتلابه امام جماعت در فرایند انجام رسالتی که بر عهده او نهاده شده و همچنین گزارش از برنامه‌ها و فعالیت‌های فاطمی یک مسجد موفق با موضوع مدیریت بحران در مسجد پرداخته شده است.

# امام مسجد



خطبه فدکیه،  
مسجد و مدیریت بحران



برای محله‌پدري كنيم



# برای محله پدری کنیم

## ویژگی‌هایی کاربردی برای امام جماعت

حجت الاسلام والمسلمین محمد همتیان | استاد اخلاق حوزه علمیة قم

### در جایگاه رسول و ائمه

امام جماعت بودن جایگاه و شأنی از شئونات پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است، که یک جایگاه بسیار رفیع و منبع است. لذا در اسلام عزیز برای امامت جماعت ویژگی‌هایی را برشمرده‌اند، مثل ایمان، تقوا، عدالت و حتی پرهیز از خلاف مروت، یعنی انجام کارهایی که حرام نیست و چه بسا برای بسیاری از افراد جامعه هم مانعی ندارد، ولی گفته‌اند که امام جماعت باید از همین امور هم پرهیز بکند، مانند اینکه در حال راه رفتن غذا نخورد. لذا باید امام جماعت سعی بکند صفات پیغمبر اسلام ﷺ را داشته باشد. در زیر به برخی از این صفات اشاره می‌کنیم:

امام جماعت هم از جهت ظاهری و هم از جنبه باطنی باید الگوی مأمومین و مردم محله مسجدش باشد. همان‌طور که از معنایابی واژه‌های امام و جماعت مشخص است فردی که در قامت امام جماعت قد علم می‌کند، باید دارای خصلت‌ها و ظرفیت‌های ویژه‌ای جهت انجام وظیفه باشد.



نشریه محراب  
شماره ششم

## امام جماعت بودن جایگاه و شأنی از شئونات پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است، که یک جایگاه بسیار رفیع و منیع است

باشد و مردم او را از خودشان بدانند.

■ غم خوار: «عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ»: امام جماعت باید غم خوار مؤمنین باشد. سختی ها، مشکلات و گرفتاری های مؤمنین برای او سخت باشد و اذیت بشود و در مواجهه با آن مشکلات بی تفاوت نباشد، همان طور که پیغمبر این طور بود.

■ رؤف و رحیم: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ»: دل سوز باشد، دغدغه مند باشد و از اینکه کسی گمراه بشود ناراحت باشد. «بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»: با مؤمنین با عاطفه باشد، با محبت باشد، مهربان باشد. حالا این «رؤف و رحیم» تقریباً از نظر معنایکی ست، ولی مفسرین یک فرق خیلی لطیفی را مطرح کرده اند. گفته اند «رؤف» یعنی مهربان باشد، با عاطفه باشد نسبت به مؤمنینی که سربه راه و خوبند؛ «رحیم» که هم مهربانی در آن هست، هم دل سوزی است، نسبت به آن مؤمنینی ست که حیثاً مشکلاتی دارند، یک وقت خطاهایی دارند، به هر حال امام جماعت باید بداند جای پیغمبر ایستاده، جای امام معصوم ایستاده و باید شباهت هایی با پیغمبر و ائمه داشته باشد.

■ تواضع: آیه ۱۲۸ در سوره مبارکه توبه می فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ». این آیه مثل یک منشور اخلاقی برای امام جماعت است. قرآن مجید خطاب به پیغمبر و خطاب به امت ایشان می فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؛ به تحقیق که فرستاده ایم رسولی به سوی شما، که آمده از خود شماست.» «من انفسکم» یعنی پیغمبر مقابل مردم بسیار متواضع بود، جلسات پیغمبر صدر و ذیل نداشت، اگر کسی پیغمبر را نمی شناخت وقتی وارد جلسه پیغمبر می شد متوجه نمی شد کدام یک از این افراد پیغمبر است. این طور نبود که مجلس پیغمبر یک صدی داشته باشد، یک بالایی داشته باشد که پیغمبر آنجا قرار بگیرد، که هرکسی نگاه کرد بگوید خب آن کسی که بالای مجلس نشسته است پیغمبر است. رسول خدا برای مردم عادی و حتی مردم کم اطلاع و سطح پایین از نظر معرفتی متواضع بود. طوری که حتی یک بار پیامبر از مسجد بیرون آمدند و دیدند کفششان نیست. دنبال کفششان گشتند بعد متوجه شدند یک نفر از اصحاب دارد خرما می خورد و می خندد. فرمود: «چرا می خندی؟» گفت: «یا رسول الله، من گرسنه بودم، چیزی هم نداشتم که خرما بخرم، کفش های شما را بردم گرو گذاشتم و خرما گرفتم، دارم می خورم، به این می خندم.» امثال این روایت در زندگی پیغمبر زیاد داریم. پس امام جماعت باید متواضع باشد، از خود مردم

### ظاهر و باطن نیکو

امام جماعت همان طور که از نظر ظاهر باید پاکیزه تر و جلوتر از مردم ایستاده باشد، از نظر





هم باید این طور باشد و لذا در مسائل فقهی ما هم آمده که برای خود نماز واجب و اقامه نماز واجب کسی نمی تواند مزد بگیرد. باید محضاً لله و فقط برای خدا باشد.

■ تلاش در خودسازی: دوم هم فرمود: «وَهُمْ مُهْتَدُونَ؛ پیروی بکنید از این فرستادگان رسول خدا که این ها هدایت شده اند.» این ها از شما جلوترند. اگر حبیب نجار به مردم انطاکیه می گوید از این ها پیروی کنید دلیلش این است که این ها چند قدم از شما جلوترند، چیزهایی را می دانند، مطالبی را می دانند، کمالاتی را دارند که شما ندارید.

### نظم

امام جماعت باید منظم باشد، سروقت در مسجد حاضر باشد و نماز تعطیل نشود. اگر مؤمنین چند بار، حالا ولو با فاصله، آمدند دیدند مسجد

باطن و خصلت ها و جهات اخلاقی و کمالات نیز باید چند قدم مقدم بر مردم باشد:

■ برای خدا بدون مزد: در سوره مبارکه یس، وقتی آن فرستادگان حضرت عیسی برای تبلیغ می روند در شهر انطاکیه، قرآن داستان آن ها را این گونه نقل می کند: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى...»<sup>۱</sup> یک مرتبه یک مردی از آن کناره های شهر دوان دوان، با شتاب آمد: «قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ...؛ گفت: ای قوم من، ای اهالی انطاکیه، از این فرستادگان پیغمبر خدا پیروی بکنید.» بعد دو تا دلیل آورد که چرا می گویم از این ها پیروی کنید. قرآن نقل می کند: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا...»<sup>۲</sup> پیروی بکنید از کسانی که از شما مزدی نمی خواهند.»، دنبال اهداف و اغراض شخصی شان نیستند، دنبال منافع مادی خودشان نیستند. یک امام جماعت



## امام جماعت باید نسبت به مأمومین و کسانی که با مسجد در ارتباطند «کاب الرحیم» باشد، مثل یک پدر مهربان، یک پدر دل سوز، دغدغه‌مند. چطوری پدری نسبت به بچه‌هایش خیلی دغدغه و نگرانی دارد؟

### مخاطب‌شناس

امام جماعت با مخاطبین به تناسب شرایط و حالات آن‌ها برخورد بکند. همه را با یک نگاه در نظر نگیرد. اگر بزرگ‌ترها در مسجد حضور دارند، طبق «وقروا کبارکم» آن‌ها را تکریم و احترام کند، آن‌ها را به صف‌های جلو دعوت بکند. به جوانان محبت و احترام کند، به آن‌ها شخصیت بدهد. کودکان را تشویق بکند. گاهی در گذشته اجداد ما سلیقه‌های بسیار زیبایی داشتند. پیرمردهای فراوانی را سراغ داریم که همیشه در جیش‌شان پولکی یا شکلات بود، وقتی به مسجد می‌آمدند به کودکان پولکی می‌دادند، شکلات می‌دادند. این باعث می‌شود که گاهی یک کودکی فقط به خاطر اینکه آن آقای پیرمرد بزرگوار تحویلش بگیرد، از محله خودش به محله دیگری برود. نقل می‌کنند شهید عزیز بزرگوار، فرمانده قهرمان، حاج حسین خرازی، وقتی نوجوان بود می‌رفت به محله دیگر در نمازجماعت شرکت می‌کرد، چون در آن مسجد پیرمردی بود که به کودکان و نوجوانان یک تشویق‌هایی می‌داد.

### پایگاه آگاهی‌بخشی

امام جماعت در مدیریت مسجد فقط اکتفا نکند به اقامه نمازجماعت، بلکه سعی بکند که مسجد یک قانون باشد، یک مجمع باشد که آگاهی‌های علمی، دینی، معنوی و حتی آگاهی‌های سیاسی

امام جماعت ندارد و نمازجماعت تعطیل است دیگر رغبتی ندارند بیایند، دفعه بعدی هم وقتی اراده می‌کنند به مسجد بیایند با خود می‌گویند خب ممکن است جماعت نباشد. از این رو امام جماعت باید منظم باشد.

### کار اصلی

چهارمین نکته‌ای که برای امام جماعت لازم است این است که نمازجماعت و اداره یک مسجد را یک کار به تمام معنا بدانند، یعنی کارش را سرسری نگیرد، جزو امور جنبی و فرعی به حساب نیاورد، باید توجه داشته باشد که این کار، کار بسیار مهمی است. از قدیم الایام این طور بوده. بسیاری از مراجع ما، مجتهدین ما، علمای طراز اول ما، این‌ها کار اصلی‌شان اداره یک مسجد بود، این کار کمی نیست.

### وقت‌گذاری

امام جماعت نباید فقط به زمان نماز اکتفا بکند. یعنی طوری بیاید توی مسجد که اذان را گفته‌اند، فوری نماز را شروع بکند، و وقتی که سلام نماز را هم داد از مسجد بیرون برود. او باید وقت بیشتری را بگذارد، قبل از نماز ولو نیم ساعت، یک ربع قبل توی مسجد باشد، بعد از نماز هم نیم ساعت، یک ربع، چند لحظه‌ای توقف داشته باشد که مردم خیلی راحت بتوانند با او ارتباط برقرار بکنند.







خانواده‌ای دو تا جوان، دو کاسب بازار، و... اختلاف دارند ورود اصلاح‌گرایانه بکند.

در آنجا مطرح باشد و فقط نماز به تنهایی برگزار نشود. رهبری در آگاهی بخشی به مردم بر عهده امام جماعت است.

### پدر بودن

امام جماعت باید نسبت به مأمومین و کسانی که با مسجد در ارتباطند «کاب الرحیم» باشد، مثل یک پدر مهربان، یک پدر دل سوز، دغدغه‌مند. چطوری پدری نسبت به بچه‌هایش خیلی دغدغه و نگرانی دارد؟ نسبت به اخلاقشان، درسشان، آینده‌شان، سلامت فکر و روحشان. امام جماعت هم باید نسبت به مأمومین خودش و عزیزانی که در مسجد برای نماز جماعت می‌آیند حتماً این دغدغه‌ها را داشته باشد.

پی‌نوشت:

۱. سوره یس، آیه ۲۰

۲. سوره یس، آیه ۲۱

### دستگیری از فقرا

امام جماعت نسبت به فقرا و مستمندان توجه داشته باشد و برنامه‌ریزی‌هایی جهت کمک‌های مؤمنین بکند. به هر حال کمک‌های مؤمنانه زندگی مستمندان را ترمیم می‌کند، به مشکلاتشان رسیدگی می‌شود و اصلاً معنویتی، صفایی، سخاوت و کرامتی در مردم ایجاد می‌کند و مردم خودشان را در برگزاری یک نماز جماعت عالی در مسجد شریک می‌دانند.

### اصلاح‌کننده

امام جماعت هنگام اختلاف بین افراد بی تفاوت نباشد. گاهی اگر خدایی نخواست در یک



نشریه محراب  
شماره ششم



# مسجد و مدیریت بحران

امام جماعت مسجد و مدیریت بحران  
با استفاده از خطبه فدکیه

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن کاویانی راد  
امام جماعت مسجد وحدت



فاطمیه بزرگداشت موضوع حضرت زهرا علیها السلام در برابر رویداد ترکیبی مهم در زمان خودش است. وجود مقدس آن حضرت رویکردی را در برابر این جریان و هجمه ترکیبی از خودشان نشان دادند که امروز هم مجموعه آنها می‌تواند به‌عنوان راهبردها و مجموعه تکنیک‌های رفتاری مورد دقت عمل مسجد و اهالی مسجد در مواجهه عملیاتی و تحلیل ذهنی رویدادهای فتنه‌انگیز کنونی و پیش‌رو باشد. امام جماعت مسجد با توجه به راهبردهایی که خواهیم آورد، می‌تواند در انتقال تحلیل و اقدام در جهت حرکتی روشن‌گرانه گام بردارد.

## امروزه شکل مواجهه مردم و مأمومین و شنوندگان منبر و نوع موضع‌گیری و اشکال گرفتن‌شان و حتی اعتراض‌شان حکایت از این می‌کند که در تبیین موضوع و موضع باید در مساجد اقدام شود

### مسجد و بُعد سیاسی

داریم، این است که در اعلام موضع خیلی فعال عمل می‌کنیم، ولی در تبیین موضوع برای این‌که مردم خودشان به نتیجه برسند، مقداری گُند هستیم. به لحاظ عملیاتی امروز در مساجد گرایش‌های مختلفی حاکم است. قرار نیست هر کسی به مسجد می‌آید، تمام مواضع امام جماعت و کادر مسجد را قبول کند و موضوع را همان‌طوری که ما می‌فهمیم، بفهمد. امروزه شکل مواجهه مردم و مأمومین و شنوندگان منبر و نوع موضع‌گیری و اشکال گرفتن‌شان و حتی اعتراض‌شان حکایت از این می‌کند که در تبیین موضوع و موضع باید در مساجد اقدام شود؛ اقدام و اعلام شفاف و صریح، و درعین حال منطقی، قاطعانه و محترمانه. مواضع حضرت حداقل در خطبه فدکیه بدون هیچ رفتار هیجانی و خشن و بدون هیچ اتهام‌زنی خاصی به صورت تبیینی بوده است.

**۲. خنثی‌سازی رعب و ترس:** امنیتی شدن فضای جامعه الزاماً به خاطر ایجاد رعب توسط حاکمیت نیست. بعضی وقت‌ها پیام عمومی جامعه اقتضا می‌کند که یک تفکر یا منطق در زاویه قرار گیرد و اجازه بروز نداشته باشد. در این موقعیتی که خیلی افراد ممکن است فلج شوند، یک اقدام جسورانه و

**۱. تبیین و موضع‌گیری شفاف:** مواجهه حضرت براساس راهبردی که امروزه نیز مورد تأکید رهبری معظم، یعنی رویکرد مواجهه تبیینی در برابر هجوم و جنگ ترکیبی می‌باشد. در بُعد سیاسی و امنیتی نسبتاً بین نخبگان و لایه سطحی مردم اجماع برقرار بود و خواص جامعه هم به نوعی تحت تأثیر فشار سیاسی و امنیتی حاکم بر جامعه قرار گرفتند و اگر موافق هم نبودند، مجبور به سکوت شده بودند. یعنی فضا به‌صورتی بود که در بعضی افراد و خواص رقابت در همراهی با کودتای صورت‌گرفته صورت می‌گرفت و از طرف دیگر آن‌هایی هم که موافق نبودند، با خوف و ترس از متهم شدن توسط دیگران مجبور بودند راجع به این موضوع سکوت کنند.

**کارکرد مسجد:** به نظر می‌رسد جایگاه مسجد به لحاظ عملیاتی مهم‌تر از هر زمان دیگری است. در این زمان باید از روش حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) الگوبرداری کرد که در برابر آن هجمه خاص در بُعد سیاسی و امنیتی از خودش نشان داد. در اینجا امام جماعت باید با الهام از رویکرد آن حضرت راهبرد تبیین با روش اعلام شفاف و صریح موضع و موضوع را در پیش گیرد. اشکالی که در مساجد

## ممکن است زمانی شما ده دقیقه یا نیم ساعت به اندازه نماز در مسجد بوده باشید، ولی اکنون اقتضا می‌کند که حضور امام جماعت در مسجد پررنگ‌تر و طولانی‌تر باشد. حضور امام در مسجد مانند حضور فرمانده در سنگرش است؛ هرچند نمازگزار حضور نداشته باشد

**۳. مواجهه روشن‌نگرانه عمومی انقلابی:** بعضی وقت‌ها تصور می‌کنیم همهٔ مسائل را باید پشت پرده با ادبیات سیاسی و چانه‌زنی‌های سیاسی یا دیپلماتیک دنبال کنیم. حال آنکه خانم فاطمه زهرا (علیها السلام) موضعی انقلابی اتخاذ کرد و در میدان ایستاد. کمتر کسی در آن زمان جرئت داشت به کسانی که در جامعه نبوی ادعا داشتند صحابه پیغمبر هستند، رسماً اعلام کند که جامعه به لحاظ سیاسی گرفتار ارتداد شده؛ آن هم زمانی که هنوز چند روزی از فوت پیغمبر نگذشته بود. ایشان خیلی صریح و شفاف فریاد زد: «اللهم إنا نشكو ارتداد امته».

**کارکرد مسجد:** الآن هم نیاز است مسجد و امام جماعت حداقل معیارهای انحراف سیاسی را در این مقوله تبیین بهتری کند و موضع انقلابی قاطع و نه موضع سیاسی که بعداً امکان رفع و رجوع آن باشد. را به دور از سیاسی‌زدگی و سوءگیری‌های احساسی اتخاذ کند؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمود: من یک انقلابی‌ام، دیپلمات نیستم. خب این خودش یک تکنیک است، یک نوع بیان است، یک نوع تبیین است.

**۴. تحلیل ریشه‌ها:** اکنون در جنگ فعلی تمام مواضع و شیطنت دشمن سوار بر بستر ریشه‌های

البته عاقلانه مانند اقدام حضرت زهرا (علیها السلام) و ایراد خطبه فدکیه می‌تواند قفل جامعه را باز کند.

**کارکرد مسجد:** در موقعیت فعلی ممکن است بعضی رفتارها، بخشی از جامعه متدین و مذهبی را تحت تأثیر قرار دهد و گرفتار ناامیدی و رعب و ترس کند. در این میان مسجد به عنوان یک کانون می‌تواند جسارت حق‌گویی را به نمازگزاران و بعد محیط پیرامون منتقل کند. امام جماعت باید در این موقعیت هیجان خودش را کنترل کند، با صلابت اقدام کند، به مردم دل‌داری دهد، به مردم کمک عاطفی کند، در کنارشان باشد و حضورش را پررنگ‌تر در موقعیت نشان دهد. ممکن است زمانی شما ده دقیقه یا نیم ساعت به اندازه نماز در مسجد بوده باشید، ولی اکنون اقتضا می‌کند که حضور امام جماعت در مسجد پررنگ‌تر و طولانی‌تر باشد. حضور امام در مسجد مانند حضور فرمانده در سنگرش است؛ هرچند نمازگزار حضور نداشته باشد. حضرت زهرا (علیها السلام) تنها جایی را که به عنوان ابراز موضع انتخاب می‌کند، صحن مسجد است؛ درحالی‌که می‌توانست دم در خانه هم کرسی بگذارد و سخنرانی کند. انتخاب مسجد به عنوان این موضع برای این است که فضای رعب و ترس را از بین ببرد.



اجماع را به هم ریخت و حداقل از یک دسته کاذب جامعه کاست.

مسجد می تواند اجماع سیاسی مخل امنیت فکری و جانی جامعه را برهم بزند. مسجد باید اجماع سیاسی و اجتماعی خطرناکی را که دشمن سعی می کند دائم بر آن بدمد و به نفع خودش مصادره کند، مختل کند. دشمن، ورزشکاران و تیم ملی و هنرمند نماها و همه اقشار را وارد اجماع می کند. مسجد تنها نقطه ایجاد این اجماع علیه آن تفکر است و به هم زدن آن اجماع کاذب و غلط.

### مسجد و بُعد اعتقادی و شناختی

#### ۱. التقاط اعتقادی و شناختی

جامعه با وجود باورهای دینی در کوتاه ترین فرصت تحت تأثیر القانات غلط قرار می گیرد و عملاً التقاط اعتقادی و شناختی اتفاق می افتد. حضرت زهرا (س) در چنین موقعیتی با تشخیص دقیق خلأ اعتقادی جامعه اسلامی، اقدامات بعدی را انجام دادند و در آن خطبه سیاسی به تبیین اصول و فروع دین پرداختند. بخش مهمی از خطبه

موجود در خود جامعه حرکت می کند. حضرت زهرا (ع) تحلیل ریشه ها را بیان می کند و به مردم هم اعلام کردند که این ها احقاد بدری و تراث احدی است؛ حقد و کینه ای که در بدر شکل گرفته و تکنیکی که در احد تکرار شد. ترکیب این دو بُعد که الآن دارد اتفاق می افتد، به عنوان زیرساخت های این اتفاق بد و رویدادی است که جامعه را درگیر کرده است.

**کارکرد مسجد:** مسجد می تواند در این موقعیت با در نظر گرفتن زیرساخت هایی که بخشی از آن عاطفی و هیجانی است و بخش دیگرش الگوبرداری است، اقدام کند. چرا حضرت می فرماید تراث احدی؟ برای این که می خواهد بگوید که در ریشه یابی جریانی که دارد اتفاق می افتد، از الگوهای قدیمی استفاده می شود. الآن برخی از این جماعتی که در خیابان هستند و آن هایی که ساماندهی و سازماندهی می کنند، تلاش می کنند دقیقاً از الگوهای انقلابی ۵۷ استفاده کنند. امام جماعت باید با این تکنیک ها آشنا باشد و سریع در ریشه یابی و ارتباط آن و تبیین و جداسازی اش برای مردم اقدام کند تا مردم گرفتار خطای در تشخیص نشوند.

#### ۵. برهم زدن اجماع غلط سیاسی: حضرت

زهرا (ع) اجماع سیاسی طرف مقابل را بر هم زدند. تقریباً داستان خلافت نفر اول بعد از پیغمبر یک امر اجماعی در سطح جامعه است. مبنای اهل تسنن می گوید اجماع وجود داشته است؛ بر خلافت خلیفه دوم. این اجماع را چه کسی باید به هم بزند؟ حضرت زهرا (ع) در آن موقعیت این



## در موقعیت فعلی ممکن است بعضی رفتارها، بخشی از جامعه متدین و مذهبی را تحت تأثیر قرار دهد و گرفتار ناامیدی و رعب و ترس کند. در این میان مسجد به عنوان یک کانون می تواند جسارت حق گویی را به نمازگزاران و بعد محیط پیرامون منتقل کند

مشکلش در توحید است. باید در مساجد به عقب برگشت و این اصول را دوباره چیدمان و مرتب کرد و آرام آرام جلو آمد.

### مسجد و بُعد اجتماعی

#### ۱. هشدار و توبیخ مسئولان

نقد و رسواسازی مسئولان ناکارآمد و نالایق و گاهی بی دین، نیاز جامعه زنده و پویا است. حضرت زهرا (علیها السلام) دستگاه حاکمه نامشروع را با هشدار رسای خود مورد نقد و در بستر نقد اجتماعی قرار دادند و موجب روشننگری به صورت موردی و مستمر و محاسبه شدند. امروز نیز می توان به مسئولان ناکارآمد هشدار داد و آنان را مورد نقد و در معرض پاسخگویی قرار داد.

#### ۲. کارکرد مسجد

مردم از مسجد انتظار دارند که با تدبیر و قاطعیت در برابر ناهنجاری ها، شیطنتها، نفوذهای ناروایی ها که توسط افراد غیر صالح در بدنه اجرایی نظام ریشه دوانیده، به توبیخ و نقد حاکمان و حاکمیت اجرایی و نه نقد نظام بپردازد و اعلام موضع بکند و مमाاشات نکند. مطالبه گری مورد

را به چیستی و فلسفه احکام و نماز، روزه و حج اختصاص دادند و استدلال فقهی قوی ارائه کردند. به این ترتیب مسئله جایگاه و رابطه نبوت و امامت را تبیین کردند و بحث ارث در میان نبود.

#### ۲. کارکرد مسجد

خطای تشخیصی برخی از ما این بوده که گمان می کردیم چون جامعه، حکومت و نظام، دینی و انقلابی است، پس الزاماً همه جوان ها باید در عالی ترین سطح از باورهای اعتقادی و شناختی باشند. در بسیاری از مساجد مدت ها است که پرداختن به مسائل ریشه ای و اعتقادی را کنار گذاشته ایم و استدلال قوی مبتنی بر برهان در رابطه با مسائل اعتقادی نمی بینیم و بیشتر به مباحث اخلاقی می پردازیم. چند درصد از توان و انرژی علمی مساجد ما برای اصلاح و تبیین و محکم کردن زیرساخت های اعتقادی هزینه شده است؟ امام (علیه السلام) می فرماید اگر در آخر الزمان خواستید جزو یاران امام زمان باشید، این دعا را بخوانید: «اللهم عرفنی نفسک». طبق این دعا اگر کسی در امام زمان مشکل دارد، منشأ آن در نبوت است. چنانچه کسی با نبوت مشکل دارد، اصل



است که فضای مناسب برای اعتراض و بیان نقد نگذاشتیم. کجا بهتر از مسجد که بتواند این داستان را حداقل در بدنه مؤمن و متدین ایجاد کند؟ این شدنی است، نباید ترسید. بنده شخصاً مسجد را تبدیل به بیان مواضع رادیکال کرده‌ام! در هفته یا ماه نمازگزاران با هماهنگی قبلی پشت تریبون می‌ایستند و اعلام نظر و تحلیل می‌کنند و همان‌جا هم پاسخ می‌شنوند. در مأمومین اساتید دانشگاه داریم، ولی یک بار به هیچ‌کدام از اینها فرصت ندادیم که پنج دقیقه بلند حرف بزنند. حرف هم نقد نیست، اعتراض نیست. باید گفتگوی یک‌طرفه در مساجد کاهش پیدا کند. مردم دیگر تحمل این را ندارند که یک نفر برود بالای منبر فرمایش کند و آنها هم فقط صلواتش را بفرستند و

تأکید مقام معظم رهبری است و اگر از روحانیت و مسجد شروع و مدیریت نشود و ادامه پیدا نکند، خدای ناکرده سر از دامن منافقین و معاندین درمی‌آورد. به نظر می‌رسد مسجد جایگاهش در مطالبه‌گری به دلایل مختلف تضعیف شده است. مسئله تویخ و هشدار به حاکمان یک‌الگو و تکنیک عملیاتی است. مردم باید مطالبات خود را در مسجد و از زبان امام جماعت بشنوند. الزاماً بیان مطالبات به معنی ضدیت با اصول و ارکان نظام نیست. برای این منظور دو راهکار و تکنیک پیشنهاد می‌شود:

یکی از تکنیک‌هایی که الآن می‌تواند جواب دهد، کرسی‌های آزاداندیشی است. یکی از ریشه‌های سخت شدن مدیریت اغتشاشات فعلی این



## مسجد جهت انتقال منطقی یک گزاره یا اتفاق مرتبط با دین در یک بستر معقول عاطفی باید تلاش کند

جامعه نارضایتی را دامن نمی‌زد. ایشان اصلاً در صدد تحریک هیجانی منفی و ایجاد شورش نبودند. خیلی منطقی تلاش می‌کردند مردم را نسبت به خطر قانع کند. ولی اصلاً از تکنیک‌های هیجان منفی و ایجاد اختلال خاص سیاسی در جامعه استفاده نمی‌کردند. گریه و قهر سیاسی داشتند که ابراز شفاف نارضایتی از وضع موجود است؛ کاری که خیلی از ماها بلد نیستیم. ما نارضایتی‌مان همیشه کلی است. همه می‌فهمند ناراضی‌ام، ولی نمی‌فهمند دقیقاً از چه و چقدر ناراضی‌ام.

### کارکرد مسجد

مسجد جهت انتقال منطقی یک گزاره یا اتفاق مرتبط با دین در یک بستر معقول عاطفی باید تلاش کند. برای این کار باید دامنه کار خود را از فعالیت‌های متمرکز داخل مسجد به بیرون از مسجد هم تسری بدهد. سه راهکار برای این امر پیشنهاد می‌شود:

یک راهش تشکیل هیئت‌های خانگی است. از مناسبت‌های سال سه، چهار مناسبت را بانی پیدا کنید و در منازل نمازگزاران یا همسایه‌های مسجد هیئت برگزار کنید. جلسات خانگی هیئت بسیار مؤثر است.

آمین دعایش را بگویند. مردم انتظار دارند که گفتگو به صورت مشارکتی و چندجانبه اداره شود. تکنیک بعدی برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد است. در تاریخ داریم بعضی وقت‌ها اگر کسی می‌خواسته تظلم کند، اذان بی‌وقت می‌گفت. اذان بی‌وقت یعنی یک نوع تظلم و دادخواهی. وقتی در تکنیک‌های دینی‌مان، در عرف مردم‌مان چنین چیزهایی وجود داشته، چرا باید با نادیده گرفتن آنها اسیر تکنیک‌های خطرناک دشمنان شویم؟

### مسجد و بُعد اقتصادی

حضرت زهرا علیها السلام در بازپس‌گیری حقوق مادّی خود، از طریق استاندارد و درست در مواجهه با حکومت و حاکمیت و به ظاهر خلیفه زمان مطالبه حق می‌کند. درحالی‌که می‌توانست تبدیل به اپوزیسیون شود، خارج از چهارچوب برود و از بیرون شرّ درست کند.

### مسجد و بُعد منطقی و عاطفی

مراجعه شبانه حضرت به خانه مهاجرین و انصار درحالی‌که ایشان از مواضع آنها کاملاً آگاهی داشت، به دلیل استمداد و اتمام حجت بود. حضرت فاطمه علیها السلام اعلام نارضایتی می‌کرد، ولی در سطح

است که اساساً در رابطه با احساس رضایت از زندگی مشکلات اساسی دارند. حضرت فاطمه علیها السلام، حداقل به لحاظ عملی توانسته این را اثبات کند که آدم می‌تواند موقعیت‌های دشوار و سخت را پشت سر بگذراند و تجربه کند، ولی درعین حال از اصل زندگی خودش هم راضی باشد و اظهار نارضایتی نکند.

### کارکرد مسجد

این مورد هم می‌تواند یکی از کارکردهای مسجد باشد که با تکنیک خودش کمک کند مردم احساس رضایت کنند. الزاماً هم منوط به فراهم بودن اسباب رضایت نیست؛ بلکه کمک به مردم در تشخیص و تبیین این موضوع می‌تواند یکی از رسالت‌های مسجد باشد.

.تشکیل جلسات بانوان. در مجالس ما خانم‌ها به دلیل اینکه در پشت پرده قرار دارند، هیچ‌وقت مخاطب مستقیم برنامه‌های ما نبوده و فرع حساب می‌شوند. جلسات ویژه بانوان به آنها هویت می‌دهد، انگیزه می‌دهد، علاقه به مشارکت ایجاد می‌کند.

.جلسات ویژه نوجوانان، با اقتضای خاص خودشان. اینها را مسجد باید پشتیبانی کند و بخشی از انرژی و منابع خود را در همین موارد صرف کند.

### مسجد و رضایت از زندگی

بخشی از مشکلات جامعه ما حتی نمازگزاران ما این



در سرویس همسرانه این شماره به مدیریت ارتباطات خانواده امام جماعت با دیگران پرداخته‌ایم. مطالبی در جهت آگاه‌سازی همسر امام جماعت در نقش مدیر این ارتباطات ارائه شده است و در نهایت دستور پخت حلوی نذری به شیوه پخت انبوه برای ایام فاطمیه ارائه شده است.

# همسرانه



وزیر ارتباطات  
مجموعه‌ای به نام خانه



همسایه‌داری  
در عصر حساسیت‌ها



تهیهٔ حلوی نذری برای  
۵۰ نفر



خداوند خیر فعالیت‌های  
اجتماعی ما را در رسیدگی به  
فرزندانمان قرار داده است



# همسایه‌داری

## در عصر حساسیت‌ها

پاسخ به سؤالی دربارهٔ نظر اسلام در ارتباط با همسایه

زینب صابری | نویسنده



## در دنیای امروز ارتباط به خودی خود دارای ارزش نیست، بلکه پیچیدگی‌های روزافزون مناسبات اجتماعی، تنوع ارتباطات بین فردی و گستره شبکه‌های اطلاع‌رسانی درون خانوادگی و برون خانوادگی، ضرورت بازنگری به اهمیت و روش‌های مؤثر برقراری و استمرار رابطه مفید، مؤثر و متقابل خانواده‌ها با همسایه‌ها را مضاعف می‌سازد

روش‌های مؤثر برقراری و استمرار رابطه مفید، مؤثر و متقابل خانواده‌ها با همسایه‌ها را مضاعف می‌سازد.

ارتباط مؤثر به‌طور کلی رابطه‌ای است که در آن، طرف مقابل، پیام شما را با حداکثر دقت ممکن دریافت و درک کند. بخش اصلی (و گاه تمام) مسئولیت ارتباط مؤثر را بر عهده ارسال‌کننده پیام می‌دانند. البته این به معنای انکار اهمیت نقش دریافت‌کننده نیست، بلکه تأکیدی بر این امر است که فرستنده پیام، مسئولیت دارد از تمام توان خود برای افزایش اثربخشی ارتباط استفاده کند و به سادگی بی‌توجهی یا بی‌دقتی مخاطب را به بهانه‌ای برای کاهش اثربخشی ارتباط تبدیل نکند.

با توجه به این تعریف ارتباط مؤثر، در ارتباط خانواده‌ها با محیط بیرون از جمله همسایگان، آنچه بیش از پیش برای افراد اهمیت دارد فهم دقیق فرد و افراد آن سوی ارتباط است، تا با دریافت دقیق پیام، حرف و عمل آن امنیت روانی‌اش به

شاید اگر این پرسش یک پاسخ داشت، پاسخ آن بخشی از نامه ۳۱ «نهج البلاغه» امام علی (علیه السلام) است که حضرت در آن می‌فرماید: «أَحْبَبُ لِيَغْيِرَكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا؛ از برای دیگران دوست بدار آنچه را که برای خودت دوست می‌داری، و خوش ندار برای دیگران آنچه را

برای خودت خوش نداری.» بنابراین پاسخ کوتاه به این سؤال این است: انسان باید آنچه را که محل آسایش و آرامش روانی خود می‌داند، همان عوامل مزاحم و آزارگر را از همسایه خود نیز دور بدارد و شرایطی را که برای خود مطلوب می‌داند، برای همسایه نیز همان را بخواهد.

### و اما پاسخ جامع به سؤال: «نظر اسلام درباره ارتباط با همسایگان»:

در دنیای امروز ارتباط به خودی خود دارای ارزش نیست، بلکه پیچیدگی‌های روزافزون مناسبات اجتماعی، تنوع ارتباطات بین فردی و گستره شبکه‌های اطلاع‌رسانی درون خانوادگی و برون خانوادگی، ضرورت بازنگری به اهمیت و



امام سجاد علیه السلام در روایتی حقوق  
همسایه در غیاب او را چنین  
تشریح می‌کنند: «اما حق همسایه  
است بر تو حفظ آبرو و حقوق  
ایشان در زمانی که حضور ندارد و  
تکریم و احترام ایشان در موقعی که  
حضور دارد و کمک به ایشان وقتی  
که مظلوم واقع می‌شود.»

طرف همسایه دریافت شد، سمت و سوی دیگری پیدا کرد و تعبیر به دخالت و تجسس و عدم درک موقعیت خانواده شد، به طور طبیعی خدمتی بجا نیست و حقوق همسایه در آن رعایت نشده است. امام سجاد علیه السلام در روایتی حقوق همسایه در غیاب او را چنین تشریح می‌کنند: «اما حق همسایه است بر تو حفظ آبرو و حقوق ایشان در زمانی که حضور ندارد و تکریم و احترام ایشان در موقعی که حضور دارد و کمک به ایشان وقتی که مظلوم واقع می‌شود.»<sup>۲</sup>

فرد مؤمن که حقوق همسایه را می‌شناسد و در ارتباط مؤثر با همسایگانش قرار دارد، اجازه غیبت کردن در مورد همسایه‌اش را به کسی نمی‌دهد و با تکریم شخصیت آن خانواده به برقراری ارتباط مؤثر با آن‌ها از طریق احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری در حفظ حرمت آن‌ها حتی در غیاب آن‌ها تلاش می‌کند.

چالش کشیده نشود. اسلام تحت عنوان حقوق همسایه از این امنیت روانی که از ارتباط مؤثر هم ایجاد می‌شود دفاع می‌کند و آن را برای خانواده محترم می‌شمارد و مؤمنین را به آن توصیه می‌کند.

### خدمت بجا

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «از کمترین حقوق همسایه نسبت به همسایه این است که اگر از شما کمک خواست، کمک نمایی و اگر قرض خواست، قرض بدهی و اگر مریض شد، عیادتش کنی و اگر مصیبتی بر او وارد شد، خدمت رسیده، ایشان را تسلی دهی.»<sup>۱</sup>

در چنین موقعیت‌هایی پیام مهرورزی شما به صورت کامل و با دقت تمام به فرد مقابل می‌رسد و قانون ارتباط مؤثر به طور کامل رعایت می‌شود. هر موقعیتی غیر از موقعیت‌های ذکر شده در روایتی که از پیامبر اکرم نقل شده است، اگر پیامی که از





## خوش رفتاری در جایگاه کمک به حفظ امنیت روانی

در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «بر شما باد که همواره همسایه‌ای نیکو و خوش رفتار باشید، چرا که خدای متعال به آن فرمان داده است».<sup>۱</sup> گاهی یک اخم یا تشر به کودک همسایه، یک بی‌اعتنایی در آسانسور یا کوچه و یا یک طعنه زبانی امنیت روانی یک خانواده را ساعت‌ها از میان می‌برد و ارتباط مؤثر دو همسایه را دچار اختلالی اساسی می‌کند. خوش رفتاری در بسترسازی برای ارتباط مؤثر یک شیوه عقلانی است که اسلام به آن تأکید دارد.

برای مصادیق خوش رفتاری با همسایه‌ها هم می‌توان به آموزه‌های دینی رجوع کرد که در آن‌ها مثلاً احوال‌پرسی از همسایه<sup>۲</sup> بخشی از پازل خوش رفتاری را تشکیل می‌دهد.

نوشتار پیش‌رو می‌تواند تا هزاران موضوع و مصادیق حقوق همسایگان را شامل شود و سبک زندگی

مردن امروزی این مصادیق را بیشتر و بیشتر هم می‌کند، اما آنچه مهم است این است که این حفظ حقوق برای برقراری ارتباط مؤثر است که در آن‌ها پیام باید با تمام دقت و صحت به فرد گیرنده برسد. هر احساس مسئولیتی اگر پیامی غیر از خیرخواهی به خانواده همسایگان برساند به ارتباط مؤثر ضربه می‌زند و با توجه به حساسیت‌های موجود در جامعه در بسیاری از مواقع به قطع ارتباط می‌انجامد.

پی‌نوشت:

۱. من ادنی حقوق الجار علی الجار، ان استعانک اغته و ان استقرضک اقرضه و ان مرض عدته و ان اصابته مصیبه عزینته، چهل حدیث، به نقل از بحار، ج ۸۲، ص ۹۴
۲. و اما حق جارک فحفظه غائباً و اکرامه شاهدأ و نصرته اذا کان مظلوماً، چهل حدیث، به نقل از من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۹۶.
۳. علیکم بحسن الجوار فان الله عزوجل امر بذلک، چهل حدیث، به نقل از بحار، ج ۷۴، ص ۱۵.
۴. امام علی (ع) من حسن الجار تفقد الجار، چهل حدیث، بحار، ج ۷۷، ص ۲۳۱.



# وزیر ارتباطات مجموعه‌ای به نام خانه

درباره مدیریت رابطه خانواده امام جماعت با همسایه‌ها

سیده فاطمه ذاکری | پژوهشگر اجتماعی

است. موضوع ارتباط همسایه با همسایه با این درجه از اهمیت برای خانه امام جماعت و ارتباطات او اهمیت شایان توجهی دارد و نقش همسر امام جماعت در مدیریت این ارتباطات می‌تواند یک الگوی عملی در جامعه باشد. اهمیت دیگر مدیریت همسر امام جماعت در ارتباط با همسایگان، آرامش حاصل از این ارتباط است. این آرامش با توجه به نقش اجتماعی امام جماعت هم از حیث کارکردها و هم از لحاظ اعتباری و آبرو برای امام جماعت مسجد اهمیت

همسر امام جماعت در یک سطح مدیر برنامه‌های اجتماعی خانواده هم به شمار می‌رود؛ و فارغ از شخصیت حقیقی و حقوقی خود که منبع رجوع افراد برای حل مسائل دینی هم ممکن است به شمار برود، به عنوان مدیر خانه امام جماعت باید بتواند مسائل پیرامونی این خانه را مدیریت کند. یکی از عرصه‌های مدیریت او که بسیار هم مهم است، مدیریت ارتباط با همسایگان است. ارتباط با همسایه از نظر اسلام چنان مهم است که از دیدگاه پیامبر تا مرز ارت بردن دو همسایه از هم پیش رفته



نشریه محراب  
شماره ششم



## موضوع ارتباط همسایه با همسایه با این درجه از اهمیت برای خانه امام جماعت و ارتباطات و اهمیت شایان توجهی دارد و نقش همسر امام جماعت در مدیریت این ارتباطات می‌تواند یک الگوی عملی در جامعه باشد

۲. سعی کنید در مناسبت‌های مذهبی مانند میلاد ائمه و غیره، به بهانه دادن نذری احوال همسایه‌هایتان را جویا شوید.

۳. در ارتباط با همسایگان تعادل در فاصله و حضور را حفظ کنید، نه آن قدر از آن‌ها دور باشید که غریبه باشید، نه مدام در فضای ارتباط قرار بگیرید که از حضور شما اشباع شوند.

۴. مسائل خصوصی همسران را برای همسایگان فاش نکنید، حتی اگر صمیمیتی خاص با آن‌ها دارید، سبک زندگی، رفتار و اعتقادات یک روحانی ممکن است برای خیلی‌ها قابل درک نباشد و در قضاوت او دچار اشتباه شوند. بنابراین در این مورد کمی سخت‌گیر باشید.

۵. فراموش نکنید که شما همسر امام جماعتید و در برخوردهای ناخواسته با آقایان همسایه در سطح و شأن این جایگاه برخورد کنید.

۶. لزوماً رسالتی برای کمک کردن به همسایه‌ها روی دوش خود قرار ندهید، که منجر به ورود و دخالت به حوزه خصوصی آن‌ها شود، اگر کمک خواستند و خودشان پیش قدم شدند و اجازه ورود به حل مسئله‌ای را دادند، آن زمان اقدام کنید.

۷. سعی کنید فتح بایی برای ارتباط امام جماعت و خانواده‌های همسایه باشید، برای جاری کردن عقد و مراسم آن‌ها و حتی روضه‌ها و غیره می‌توانید پیش قدم شوید.

شایان توجهی دارد و هرگونه اشتباه در این بخش در فضای فعلی می‌تواند قدرت مانور امام جماعت را در محله کاهش دهد.

همسر امام جماعت برای مدیریت ارتباطات افراد خانواده امام جماعت با همسایگان و مادر خانواده باید تدابیر خود را در چند بخش به کار ببندد:

- ارتباط خود (مادر خانواده) با همسایگان

- ارتباط فرزندان با همسایگان

- ارتباط مراجعه‌کنندگان به خانه امام جماعت با همسایگان

- ارتباط امام جماعت با همسایگان

### ارتباط خود (مادر خانواده) با همسایگان

شما به عنوان همسر امام جماعت در میان همسایگان شخصیت حقیقی و حقوقی تان یکی ست و طبیعتاً اولین تدابیر شما باید مدیریت ارتباط شخص خودتان با همسایگان باشد. برای این مدیریت باید نکات زیر را مدنظر قرار دهید:

۱. برای امر به معروف و نهی از منکر، به ظرفیت ارتباطتان با فرد یا خانواده مقابل و قدرت و توان پذیرش آن در آن‌ها توجه کنید. هرگونه اشتباه در تحلیل ظرفیت ارتباط و ظرفیت پذیرش همسایه می‌تواند فضای زندگی و هم‌زیستی با دیگران را برای خانواده شما مختل کند.



۸. ممکن است برخی‌ها با یک روحانی احساس فاصله کنند، بهتر است شما به نحوی سیره عملی را برای او توصیف و تعریف کنید تا این فاصله کم و کمتر شود.

۹. از افتادن در فضاهای چشم‌وهم‌چشمی و غیبت و غیره که مخالف شأن یک همسر امام جماعت است پرهیز کنید.

۱۰. در جلسات زنانه با همسایگان در پرداختن به ظواهر جسمی و پوششی نه از حد معمولی که وزانت شما را حفظ می‌کند بی‌اعتنا باشید و نه غرق در آن باشید.

### ارتباط فرزندان با همسایگان

ارتباط فرزندان شما با همسایگان یک بخش بسیار مهم از مدیریت شما را تشکیل می‌دهد، بخش زیادی از این ارتباط در خلأ حضور شما رخ می‌دهد و شما حاضر و ناظر بر این ارتباط نیستید، بنابراین باید با ملاحظات بسیاری با آن مواجه شوید، بخشی از این ملاحظات می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. ارتباط فرزندان با خانواده‌هایی که سبک زندگی معمول اجتماعی دارند بلامانع است و نباید آن‌ها را در این ارتباطات محدود کنید، اما ارتباط با فرزندان را با خانواده‌هایی که سبک زندگی کاملاً متفاوتی دارند باید محدود کنید.

۲. به فرزندان‌تان باید موقعیت اجتماعی‌شان را گوشزد کنید تا در ارتباطات‌شان متوجه باشند که فرزند یک امام جماعتند و باید مقتضیات زیر را حفظ کنند:

- مسائل خانوادگی خانواده خود و مراجعه‌کنندگان به پدر و مادرشان را که جزو اسرار است، در ارتباط با فرزندان همسایه‌ها بازگو نکنند.

- سبک زندگی و رفتارهای پدر را برای دیگران بازگو نکنند.

- اگر از او انتقادی دارند آن را در این ارتباطات مطرح نکنند.

- اگر به واسطه فرزند روحانی بودن به آن‌ها توهین شد بتوانند با متانت از خود دفاع کنند.

- اگر به پدرشان توهین شد، بتوانند با استدلال این توهین را پاسخ داده و دچار سرخوردگی نشوند.

۳. در فضایی کنترل شده اجازه حضور فرزندان همسایه را که دوست فرزندان‌تان هستند در خانه‌تان بدهید.

۴. اگر فرزندان‌تان هنوز قدرت تمیز خوب و بد را ندارد، سعی کنید ارتباط آن‌ها بیشتر در منزل خودتان باشد.

### ارتباط مراجعان به خانه امام جماعت با همسایگان

امام جماعت مسجد از آن‌رو که ملجأ و مأمن اجتماعی برخی از خانواده‌هاست، منزل و مسجدی که در آن امام است، محل مراجعه مردم است، در مسجد مسئله خاصی نیست و مراجعه‌کنندگان معمولاً در موقع مناسب مسائلشان را طرح می‌کنند و امورات را پیش می‌برند، اما در منزل امام جماعت موضوع زمان مهم است، همسایه‌ها ممکن است





### ارتباط امام جماعت با همسایگان

امام جماعت می‌تواند از کانال ارتباطی شما با همسایگان مرتبط باشد، سعی کنید دربارهٔ مسائل آپارتمان یا محله، مسائل خانواده‌ها که از آن اطلاع یافته‌اید او را مطلع کنید. سعی کنید اگر مجالی برای حضور در مراسم شادی و غم همسایگان فراهم است، آن فضا را برای او فراهم کنید تا در ارتباط مستقیم با همسایه‌ها باشد. از راهکارها و تجربهٔ وی برای مشاوره‌هایی که همسایگان از شما می‌گیرند بهره ببرید و این ارتباط خاص را سامان‌دهی کنید.

### نتیجه

تلاش‌های شما در کانال ارتباطی همسران با اهالی ساختمان و محله، خیرات اجتماعی فراوانی را ایجاد خواهد کرد و از آن سو اشتباهات شما در این بخش مسائل زیادی را به وجود خواهد آورد که هزینه‌زا و آسیب‌زننده است. هوشمندی، آرامش و اقدام فکورانه و مؤمنانه شما در این ارتباط ضروری و بااهمیت خواهد بود.

در این مراجعات دچار زحمت شوند، از این رو، همسر امام جماعت می‌بایست با تدابیر خود باعث شود هیچ فشاری از همسایگی با یک امام جماعت برای خانواده‌ای ایجاد نشود. همسر امام جماعت با در نظر گرفتن چند نکته می‌تواند این فضای ارتباطی را مدیریت کند:

۱. اگر در آپارتمان زندگی می‌کنید، حتماً روی زنگ با خط واضح و مشخص نام همسران را حک کنید که مراجعان ناخواسته زنگ خانهٔ همسایه‌ها را نزده و مزاحشان نشوند.

۲. یک اتاق یا یک نقطهٔ خاص در خانه را برای دیدار مراجعه‌کنندگان با امام جماعت در نظر بگیرید، تا در راهرو یا جلوی در منزل یا وسط کوچه گفت‌وگوی امام جماعت با مراجعه‌کنندگان موجب زحمت همسایگان نشود.

۳. از همسران بخواهید که ساعتی از وقت هفتگی خود را در مسجد و در اتاق کار امام جماعت برای دیدار با مراجعان اختصاص دهد تا از ازدحام حضور آن‌ها در محل سکونت شما کم شود.

# خداوند خیر فعالیت‌های اجتماعی ما را در رسیدگی به فرزندانمان قرار داده است

درباره مدیریت رابطه خانواده امام جماعت با همسایه‌ها

به کوشش: زهرامتین



## اشاره

همسر امام جماعت و استاد قرآنند و ساکن یک مجتمع دویست واحدی در تهران، اهل گفت و گو و ارتباطات اجتماعی. در فضایی که حساسیت روی خانواده یک روحانی بالاست، زندگی این خانواده در آرامشی مثال زدنی است. در واقع اخلاق این زوج و به خصوص همسر خانواده ایمن ترین حصار را برای زیست اجتماعی آنها به وجود آورده است.

گفت و گو با خانم غفوری (نام مستعار) همسر روحانی و امام جماعت یکی از مسجدهای تهران در روزهای خاص ابتدای پاییز ۱۴۰۱ حاوی نکاتی پیرامون ارتباط تعاملی همسر امام جماعت با مراجعین و اطرافیانی است که به دلایل بسیاری به همسر امام جماعت مراجعه می کنند.

س: وقتی به دنبال گزینه ای برای مصاحبه درباره این موضوع می گشتم، از شما به عنوان کسی یاد شد که هم ارتباطات گسترده ای با مراجعین، همسایه ها و اطرافیان دارید و هم در روند این ارتباطات از خانواده و شخص همسر به خوبی حفاظت کرده اید و محیط خانه را آرام و امن نگاه داشته اید؟ چگونه به موفقیت رسیده اید؟

ج: خب، شما زمانی که همسر یک امام جماعتی، اجتماع عضوی از خانه و خانواده شماست و این را باید بپذیری. وقتی جامعه عضوی از خانواده شما شد، مثل این است که مثلاً سه بچه داری و بالاخره باید روابط آنها را کنترل کنی. من به عنوان همسر امام جماعت رابطه بین اجتماع بیرونی و اعضای

درون خانواده ام را تنظیم کردم. تا هیچ کدام مزاحم دیگری نباشد و کارها طبق روال پیش برود.

## س: جامعه و به ویژه مراجعه کنندگان چه حقی در خانه شما دارند؟

ج: به طور کلی برای وعده شام من اغلب یک سهم برای مهمان ناخوانده و ناگهانی در نظر می گیرم. برای صحبت با حاج آقا هم یک اتاق کوچک قرار داده ایم و همیشه آماده است که کسی بیاید و در آنجا با همسر من صحبت کند.

## س: یعنی شما هر شب منتظر مهمان ناگهانی هستید؟

ج: نه، قطعاً نه! منتظر نیستیم. حاج آقا خودشان می دانند که علاوه بر من بچه ها هم حریم خصوصی دارند و شب ها باید درس بخوانند و سر ساعت بخوابند، این اتفاق گهگاه ماهی دو بار هم نمی افتد. من با ایشان محدودیت ها را در میان گذاشته ام و ایشان هم بعد از به خانه آمدن کارهای معمول روزانه را بیرون خانه می گذارند. اما من آمادگی ذهنی و حتی پذیرایی دارم.

## س: شما مراجعان شخصی هم دارید و اعتبار خانواده شما و فعالیت های شخص شما باعث می شود مردم سوالاتشان را برای شما مطرح کنند؟ این موقعیت را چگونه مدیریت کرده اید؟

ج: مراجعان من دو بخشند؛ عده ای شاگردان منند که عموماً در کانون و مسجد با آنها در ارتباطم و کمتر به خانه می رسد مگر در ایام مسابقات قرآنی







### س: آیا از همسران هم برای این ارتباطات کمک می‌گیرید خانم غفوری؟

ج: بله، البته پیش‌ترها بیشتر بود و الان کمی کاهش پیدا کرده است و تقریباً ارتباطات من مستقل از ایشان است، اما ما به علت اینکه خانه‌مان محل گفت‌وگوست، تقریباً همه مسائل در یک شور مطرح می‌شود و به قول قدیمی‌ها عقلمان را روی هم می‌گذاریم. حاج‌آقا سال‌ها مدرس حوزه بوده‌اند و جنس مشکلات مردم را هم لمس می‌کنند و خیلی وقت‌ها با ارتباطات خودشان مسائل مردمی که به من مراجعه می‌کنند، مثلاً به لحاظ مالی و اداری و هزینه بیماری و این‌ها را حل می‌کنند. اما سعی می‌کنم خیلی بار روی دوش ایشان قرار ندهم، چرا که هم خودم با تجربه شده‌ام و هم ایشان به اندازه چند نفر خودشان کار دارند و بیشتر از این شاید در توانشان هم نباشد.

### س: رابطه فرزندان با ارتباطات اجتماعی شما چطور است؟

ج: برای شما گفتم که آرامش آن‌ها خط قرمز فعالیت‌های من است و الحمدلله رب العالمین فعالیت‌م و تعهدم به آن‌ها طوری بوده که امروز

که آن‌هم محدود است و عده دیگر هم پیرامون مسائل اجتماعی، مالی، دینی و احکام به بنده مراجعه می‌کنند که عموماً سعی کرده‌ام با تلفن مسائل را حل و فصل کنم و خانه دفتر کار نشود.

### س: حدود این ارتباطات تا کجاست و شما تا چه حدی به این ارتباطات توجه دارید؟

ج: خط قرمز من در این ارتباطات آرامش خانه و فرزندانم است و بعد بی تفاوت نبودن، من باید بین این دو خط حرکت کنم. مردم ما نیاز به کمک و همدلی دارند و عده زیادی هم هستند که دوست دارند به دیگران کمک کنند اما علاقه‌ای به ارتباط مستقیم با نیازمندان ندارند. من در این بین سعی کردم یک پل باشم و همین آبروی اندک و لطف مردم را از این وضعیت دارم. اما برای کمک به دیگران تا به امروز سعی کرده‌ام از خودم خرج کنم و هزینه احساسی و آرامشی و امنیتی برای فرزندانم ایجاد نکنم. این فعالیت من به هیچ وجه در زندگی فرزندانم وقفه‌ای ایجاد نکرده و به خاطر همین هم است که هم حاج‌آقا و هم فرزندانم از من می‌خواهند که فعالیت‌های خودم را ادامه دهم و مشوق منند.

من همیشه با خودم تکرار می‌کنم  
 که تو یک مادری و باید مادری را در  
 اولویت کارهایت بگذاری، من از غذا  
 تالباس و حتی مهر و محبت و توجه  
 کردن به فرزندانم همیشه سعی کردم  
 اول چراغ خانه‌ام را روشن کنم و بعد  
 سراغ بیرون از خانه بروم



این‌ها نباید مانع ایفای نقش اجتماعی‌اش شود، امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردم عیال خدا هستند. محبوب‌ترین مردم کسی است که به خانواده خدا نفع برساند و خوشی وارد کند.»<sup>۱</sup> من سال‌ها خیر مشورت با همسر را دیده‌ام و اگر تعامل در خانواده امام جماعت خوب باشد، قطعاً ضریب موفقیت هر دو بالا می‌رود و فرزندان هم از آسیب‌ها در امان می‌مانند. ما در روایت داریم: «الْبَنُونَ نَعِيمٌ وَ الْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ وَ اللَّهُ يَسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ، وَ يُثِيبُ عَلَى الْحَسَنَاتِ؛ پسران، نعمتند و دختران خوبی. خداوند، از نعمت‌ها سؤال می‌کند و به خوبی‌ها پاداش می‌دهد.»<sup>۲</sup> ما باید مراقب این‌ها هم باشیم که خدا خیر فعالیت‌های اجتماعی ما را در رسیدگی به فرزندانمان قرار داده است.

مشوق منند. من همیشه با خودم تکرار می‌کنم که تو یک مادری و باید مادری را در اولویت کارهایت بگذاری، من از غذا تالباس و حتی مهر و محبت و توجه کردن به فرزندانم همیشه سعی کردم اول چراغ خانه‌ام را روشن کنم و بعد سراغ بیرون از خانه بروم. کسی که چراغ خانه‌اش روشن نیست و در جامعه حضور دارد برای یک مستحب، واجب را فراموش می‌کند و نمونه‌های بسیاری بوده‌اند که دیده‌ام موفق نشده‌اند و خدا در کارشان گره انداخته است، من سعی کردم این‌گونه نباشم و خدا را شکر می‌کنم.

### نکته آخر

گفتید که این گفت‌وگو را برای خانواده‌های امام جماعت می‌خواهید، برای این خانواده‌ها که امروز خط مقدم دین‌داری در جامعه هستند، آرزوی موفقیت می‌کنم. همسر امام جماعت یک نقش اساسی در زندگی همسر و فرزندانش دارد و

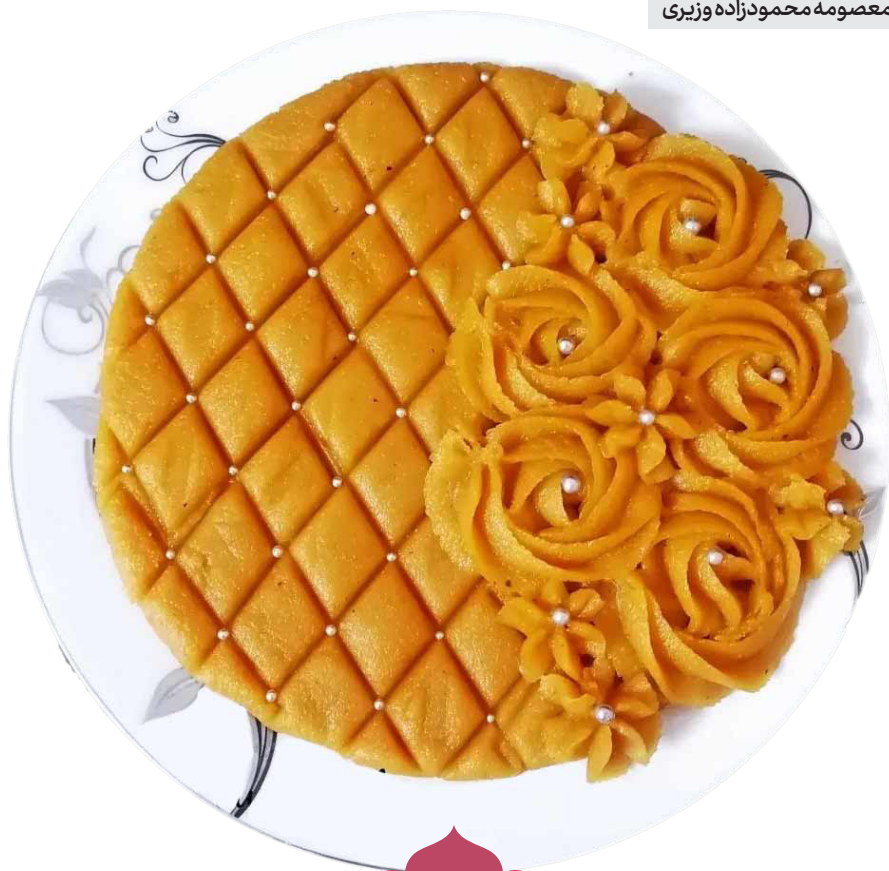
پی‌نوشت:

۱. حرّعاملی، محمدبن الحسن (۱۴۱۴ ق) وسائل الشیعه، ج. ۲، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث. ۵۶۲
۲. کلینی محمدبن یعقوب، کافی، اسوه، ۱۳۷۵، ج. ۶، ص. ۷، ح. ۱۲



# تهیه حلوای نذری

معصومه محمودزاده وزیری



۷۶

نشریه محراب  
شماره ششم

حلوا از آن دسرهاییست که کیفیت آن به فوت کوزه‌گری خیلی ربط دارد و خوش‌مزه شدن آن به دانستن نکاتی کلیدی بستگی دارد و کسی که آن را می‌پزد باید بداند. آنچه شما در ادامه می‌خوانید طرز تهیه یک حلوای مجلسی‌شکیل و باکیفیت است که به شما کمک می‌کند تا پختن این حلوا برای ۵۰ نفر را آموزش دیده و در مراسم مذهبی و عزاداری تهیه و طبخ کنید.



|           |                  |
|-----------|------------------|
| آرد       | ۳ کیلو و ۳۰۰ گرم |
| زعفران    | ۱۳ قاشق غذاخوری  |
| هل        | ۵ قاشق چای خوری  |
| شکر       | ۲ کیلوگرم        |
| روغن مایع | ۱۵۰۰ گرم         |
| کره       | ۴۰۰ قاشق غذاخوری |
| گلاب      | ۱۳ قاشق غذاخوری  |
| آب        | به میزان لازم    |

جوشیدن شکر، زعفران را اضافه کنید و بگذارید ۳ تا ۴ دقیقه دیگر روی حرارت بجوشد. سپس گلاب و هل را به شربت اضافه کرده و به خوبی هم بزنید و از روی حرارت بردارید.

#### نکته:

**اول** - با یک برس خیس دور قابلمه را تمیز کنید، تا شکرهایی که به دیواره قابلمه چسبیده وارد شربت نشود، چرا که باعث شکرک زدن می شود.  
**دوم** - چنانچه می خواهید شیرینی حلوا را قدری کمتر کنید، شکر آن را کمتر بریزید.

#### گام سوم: آرد را الک و تفت دهید

در مرحله بعدی باید شروع به الک کردن آرد کنید، این کار بایستی ۳ بار انجام شود. پس از اینکه آرد را به خوبی الک کردید در یک تابه بریزید و روی حرارت ملایم قرار دهید و به طور مداوم هم بزنید تا بوی خامی آن گرفته شده و رنگ آن کمی طلایی شود.

#### نکته:

**اول** - حتماً توجه داشته باشید آردی که در این حلوا به کار می برید آرد سفید باشد.

**یک خبر خوب: پختن این حلوا بیشتر از یک ساعت زمان نمی برد.**

#### گام اول: دم کردن زعفران

- کلاله گل های زعفران را در هاون بگذارید.  
- زعفران را تا زمانی که کاملاً خرد شود، بکوبید.  
- روی زعفران کوبیده و کاملاً پودر شده آب جوش بریزید.  
- آن را با یک در پوشانده و اجازه دهید ۳۰ دقیقه بماند و آن را مخلوط کنید (برخی از افراد بعد از قرار دادن در پوش ظرف، ظرف زعفران را روی حرارت غیرمستقیم، مثل بالای سماور به طوری که روی در قوری قرار بگیرد، می گذارند تا حرارت جزئی موجب شود زعفران بهتر دم بکشد).

#### گام دوم: شربت را آماده کنید

برای اینکه شربت مورد نیاز حلوا ی نذری به تعداد ۵۰ نفر را درست کنید بایستی آب، شکر و گلاب را در قابلمه ای ریخته و روی حرارت قرار دهید تا آب بجوشد و شکر در آن حل شود. بعد از ۱۰ دقیقه







داشته باشید، به جای استفاده از شکر می‌توانید از شیرهٔ خرما یا عسل در حلوائ نذری خود استفاده کنید و روغن زیتون را جایگزین روغن مایع کنید.

### گام چهارم: افزودن کره و روغن

در این بخش از پخت حلوائ نذری اقدام به اضافه کردن کره و روغن بکنید و توجه داشته باشید که کره از قبل به دمای محیط رسیده باشد و بعد از آن به آرد اضافه کنید. پس از اینکه کره و روغن را به آرد اضافه کردید اقدام به هم زدن و ترکیب کردن مواد کرده و آن را تفت دهید.

#### نکته:

**اول** - به جای کره می‌توانید از روغن هم استفاده کنید.

### گام پنجم: اضافه کردن شربت به مواد

حالا شروع به اضافه کردن مرحله به مرحلهٔ شربت به آرد کنید و هر بار که اضافه می‌کنید آن را هم بزنید، تا جایی که حلوا به قوام خوبی برسد.

#### نکته:

**اول** - بهترین کار این است که آرد را کمتر تفت دهید، چرا که حلوائ نذری بایستی رنگش تقریباً روشن باشد.

**دوم** - برای اینکه یک حلوائ خوش رنگ و زرد زعفرانی داشته باشید بایستی از زیاد تفت دادن آرد خودداری کنید. چرا که تفت دادن بیشتر سبب می‌شود که آرد شما تیره شود و حلوائ شما نیز قهوه‌ای شود. برای اینکه حلوائ شما عطر و رنگ زعفران را بهتر جذب کند و رنگش طلایی شود به جای ۵ قاشق زعفران می‌توانید ۱۰ قاشق زعفران استفاده کنید.

**سوم** - و اما اگر می‌خواهید یک حلوائ قهوه‌ای و تیره بپزید می‌توانید مقداری کاکائو یا پودر قهوه یا شکلات تخته‌ای به حلوائ خود بیفزایید. البته در تفت دادن هم باید خوب دقت کنید تا رنگ آرد قهوه‌ای شود.

**چهارم** - اما باید دقت کنید که آرد در حین تفت دادن نسوزد، چرا که موجب بی طعم شدن حلوا می‌شود. هنگام مخلوط کردن آرد و روغن مایع می‌توانید کمی پودر کاکائو یا شکلات ذوب شده نیز بیفزایید و در پایان حلوائ شما رنگ شکلاتی به خود می‌گیرد.

**پنجم** - اگر دوست دارید حلوائ دورنگ درست کنید، باید مواد حلوا را نصف کرده و جدا جدا دو حلوا را درست کنید. یکی از حلواها را با زعفران و دیگری را با شکلات درست کنید و بعد بنا به سلیقهٔ خود تزئین کنید.

**ششم** - اگر می‌خواهید یک حلوائ سالم و کم‌کالری







### نکته:

**اول -** در تزئین حلوی نذری می‌توانید از خلال پسته، بادام، گل محمدی، پودر نارگیل، کنجد و... استفاده کنید.

**دوم -** موقع سرو حلوا می‌توانید با استفاده از ماسوره حلوا را به کاغذهای شیرینی، نان میکادو، نان بستنی و... منتقل کنید.

**دوم -** برای هم زدن حلوا بهتر است از کفگیر چوبی استفاده کنید، چرا که با این کفگیر کارت‌ان راحت خواهد شد. حلوا آماده است.

زمانی که مشاهده کردید حلوا به غلظت دل‌خواه شما رسید، شعله اجاق‌گاز را خاموش کرده و حلوا را در ظروف مورد نظر سرو کرده و سپس تزئین کنید.

